



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۴۷

شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۲، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۳

قاتلان راه فرار ندارند

میلاد رباعی

قتل فجیع داریوش مهرجویی و همسرش، وحیده محمدی فر جامعه را ابتدا شوکه کرد و بلافاصله در خشمی عمیق فروبرد. مهرجویی در میان فیلمسازان هم‌نسل خود، از همه "ناسازگارتر" بود. از همان ابتدای کارش علاوه بر خلاقیت و نوآوری‌های هنری، نگاهی اعتراضی و نقادانه به مسائل اجتماعی داشت. پس از انقلاب ۵۷ نیز همین سمت‌وسو را ادامه داد، تا جایی که برای اکران اکثر فیلم‌هایش دچار سانسور و توقیف و مشکلات عدیده‌ای بود.

شکل قتل او و همسرش یعنی مثله‌شدن با چاقو، نشان از خشم و نفرت عمیق قاتلان نسبت به او دارد و جامعه را بلافاصله به یاد قتل فروهرها، حمید حاجی‌زاده و کارون پسر هشت‌ساله‌اش و دیگر قتل‌های زنجیره‌ای انداخت. این‌جا قصد ورود به جزئیات این جنایت را نداریم؛ اما همین جزئیات به علاوه بسیاری شواهد و قرائن دیگر تقریباً برای کسی تردیدی باقی نگذاشته که در این جنایت نیز ردپای رژیم و او‌باش حکومت به‌وضوح دیده می‌شود.

تمام کارنامه و شخصیت و نظرات مهرجویی، واکنش تند او به مرگ کیارستمی، ساخت مستندی از زندگی شخصی او که قرار بود به‌زودی اکران شود و بخش‌هایی از آن بر علیه حجاب اجباری در فضای مجازی منتشر شده بخش‌هایی از فعالیت‌های او است که وی را برای جانان اسلامی به یک دشمن آشکار که باید طعمه مرگ گردد تبدیل می‌کرد.

وقتی قتل او را در کنار خودکشی ساختگی کیومرث پوراحمد - که آشکارا جنایتی دیگر از سوی رژیم بود - قرار می‌دهیم، تصویر کامل‌تری از ادامه قتل‌های زنجیره‌ای حکومتی به دست می‌آوریم. حکومت رو به سرنگونی چنان تحت فشار جامعه قرار گرفته و مستأصل و دست‌پاچه نابودی خود را نزدیک می‌بیند که برای فرار از این شرایط تمام تقلاهای شکست‌خورده پیشین خود را مجدداً می‌آزماید. اما از قضا هر چه بیشتر دست‌وپا می‌زند، بیشتر در باتلاق سرنگونی فرومی‌رود. تکرار نسخه‌های قدیمی امروز قادر به نجات رژیم نیستند. چرا که چیزی اساسی در این میان تغییر کرده است. جامعه و فضای آن به کلی تغییر یافته و قابل‌قیاس با هیچ مقطعی پیش‌ازین نیست. این جامعه نه جامعه اوایل دهه ۶۰ است که با سرکوب و اعدام بتوان چند صباحی مرعوبش کرد و نه جامعه دهه ۷۰ است که بشود سر نویسندگان و فیلم‌سازان و ادبایش را تحت پرورده قتل‌های زنجیره‌ای زیر آب کرد. این جامعه در حال خروش و انقلابی عظیم ادامه در صفحه ۵

جنگ و روند انقلاب در ایران

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۲

تحرکات گسترده کارگری در تداوم انقلاب

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در کانال جدید

صفحه ۶

بیانیه ۴۶ کشور

درباره ادامه تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

صفحه ۱۰

کارگران و مردم

طرف سوم جنگ حماس و دولت اسرائیل

مهران محبی

صفحه ۱۲

دانشگاه، سنگری مهم در انقلاب زن زندگی آزادی

میلاد رسایی‌منش

صفحه ۱۳

بی‌خبری از وضعیت آرمیتا گراوند

عطیه نیک‌نفس

صفحه ۱۴

اطلاعی‌های هفته اخیر

صفحه ۱۵

گزارش از برخی آکسیون‌ها

صفحه ۲۰



جنگ و روند انقلاب در ایران

**تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید
(توضیح: این مصاحبه قبل از بمباران بیمارستان المعمدانی انجام شده است)**

دنیاست. بنابراین، سوءاستفاده‌ای که رژیم می‌خواهد بکند و تلاشش این است که بر مبنای درد و رنج مردم فلسطین برای خودش وجهه‌ای بخرد و موقعیتی پیدا کند کاملاً نقش برآب است و به جایی نخواهد رسید.

در منطقه هم جمهوری اسلامی دیگر بازیگری نیست که در دیپلماسی و سیاست بین‌الملل به حساب بیاید. ببینید الان مسئله فلسطین مطرح شده و دولت‌هایی که در این مورد موضع می‌گیرند و یک وزنه‌ای هستند در خاورمیانه جمهوری اسلامی را بازی نمی‌دهند. الان دولت مصر، دولت اردن، و عربستان دارند ریزنی می‌کنند، برخی تلاش می‌کنند به جنگ خاتمه دهند و یا بر حل سیاسی مسئله تأکید می‌کنند، طرف حساب و گفتگو با غرب هستند و میدانی برای مانور و ابراز وجود یافته‌اند. در این میان موضع و نظر جمهوری اسلامی در دیپلماسی منطقه‌ای حول جنگ و حل مسئله‌ای که به جنگ منجر شده، جایگاهی ندارد. همانطور که موضع و نظر حماس هم جایی ندارد. از نظر دیپلماتیک و ریزنی در مورد روند جنگ و کلاً فضای سیاسی ناشی از جنگ نیز کلاه جمهوری اسلامی پس معرکه است.

بالاخره نکته آخر اینکه در انقلابی که مردم دارند به پیش می‌برند، انقلاب زن زندگی آزادی، اکنون خود جنگ و نقش جمهوری اسلامی تبدیل شده به یک موضوع و به یک گفتمان مهم. بیانیه‌ها و اطلاعیه زیادی از جانب سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی، نهادهای مبارزاتی مثل اتحاد بازنشستگان، تشکل‌های معلمان، کانون نویسندگان، شوراهای کارگران نفت و غیره منتشر شده که خیلی روشن و صریح علیه این جنگ موضع گرفته‌اند و مشخصاً حماس و جمهوری اسلامی را در کنار جنایت‌های دولت اسرائیل محکوم کرده‌اند. یعنی از موضع انسانی و کاملاً مترقی و متمدنانه علیه جنگ به میدان آمده‌اند.

در خاورمیانه تنها ایران این حالت را دارد. در کشورهای عربی و کشورهای اسلام زده توانسته‌اند با احساسات ضداسرائیلی و در حمایت از حماس بخشی از مردم را به خیابان بیاورند. در ایران این اتفاق نمی‌افتد. اگر هم حکومت تظاهرات نمایشی براه بیندازد مردم همان جا در خیابان جوابش را می‌دهند؛ چنان‌که تاکنون هم داده‌اند. مردم اجازه نمی‌دهند حکومت، به بهانه جنایت‌های دولت اسرائیل علیه مردم نوار غزه که بسیار هم جنایات شنیع و تکان‌دهنده‌ای هست، برای خودش کارنامه مثبتی دست‌وپا کند و این را به حساب اعتبار خودش بریزد.

حسن صالحی: جنگ جاری میان اسرائیل و حماس شرایط و فضای سیاسی منطقه را کاملاً تحت تأثیر قرار داده است. در این میان جمهوری اسلامی به‌خاطر حمایتش از حماس موقعیت ویژه‌ای دارد. به نظر شما این جنگ تا چه حد می‌تواند موقعیت منطقه‌ای و همچنین موقعیت داخلی جمهوری اسلامی را تغییر بدهد؟

حمید تقوایی: به نظر من تأثیرات بسیار دیرپا و تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. یک علتش این است که همانطور که شما گفتید جمهوری اسلامی به‌خاطر حمایت آشکار و همه‌جانبه از حماس موقعیتی ویژه دارد. اما از جنبه دیگری هم کلاً وضعیت سیاسی ایران و جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومت در ایران ویژه است به‌خاطر اینکه در ایران بیش از یک سال است انقلاب عظیمی در جریان است. جنگ بر موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل با انقلاب نیز تأثیرات مهمی دارد.

از همان اولین حملات حماس و کشتار وحشیانه مردم اسرائیل جمهوری اسلامی همه‌جانبه از حماس حمایت کرد و گرچه گفت که اطلاع و نقش مستقیمی در حمله حماس نداشته است؛ ولی صریحاً حمله وحشیانه حماس را ستود، و کشتار مردم غیرنظامی اسرائیل را امری بر حق و قهرمانانه نامید.

اما معضل حکومت این است که بر متن انقلاب جاری تمام تبلیغات و تمام عوام‌فریبی‌هایش مبنی بر اینکه که طرف‌دار مردم مظلوم فلسطین است و دل می‌سوزاند برای کودکان فلسطینی که زیر بمباران کشته شده‌اند و غیره، راه به جایی نمی‌برد. اینها همه کاملاً رسواست، مسخره است، و مردم ایران با پوزخند از این ادعاها رد می‌شوند.

جامعه و انقلاب ایران نقش حکومت در این جنگ را به درست هم‌تراز جنایاتش علیه خود مردم ایران قرار می‌دهد. حکومتی که بیش از چهل سال است دارد کشتار می‌کند و مشخصاً در این یک سال اخیر به کودکان شلیک کرده، به دختران دانش‌آموز حمله شیمیایی کرده، در خیابان و در کوی و برزن از هوا و زمین مردم را به گلوله بسته، و تا امروز بیش از ۵۰۰ نفر کشته و هزاران نفر را به زندان انداخته، چنین حکومتی نمی‌تواند ادعای مقابله با جنایات دولت اسرائیل یا هر دولت دیگری را داشته باشد. جمهوری اسلامی در جنایت علیه مردم تحت حاکمیت خودش گوی سبقت را از دولت اسرائیل و همه دولت‌ها ارتجاعی دیگر ربوده است؛ لذا حنای این نوع ادعاها و تبلیغات رژیم در حمایت از مردم فلسطین و علیه اسرائیل در میان مردم ایران هیچ رنگی ندارد. در سطح جهانی نیز به یمن انقلابی زن زندگی آزادی کارنامه جنایات حکومت جلوی چشم همه مردم

جنگ و روند انقلاب در ایران

از صفحه ۲

از همه این جنبه‌ها تأثیر جنگ در ایران، باتوجه به پیشروی انقلاب زندگی آزادی و باتوجه به شرکت مستقیم جمهوری اسلامی در قطب تروریستی اسلامی این جنگ، این است که شرایط و فضای سیاسی را به سمت ضعف بیشتر جمهوری اسلامی و قدرت بیشتر انقلاب سوق خواهد داد.

حسن صالحی: به انقلاب زن زندگی آزادی اشاره کردید. آیا این جنگ فضای انقلابی در ایران را تحت الشعاع قرار نداده است؟ آیا مسئله جنگ و جنایت‌های جنگی که شاهدش هستیم مشخصاً سرکوبگری‌های حکومت و جنبش مردم ایران را در رسانه‌ها و کلاً فضای سیاسی ایران حاشیه‌ای نخواهد کرد؟

حمید تقوایی: بله این نتیجه را داشته است؛ ولی این کوتاهمدت است. کلاً وقتی تحول مهمی در جهان اتفاق می‌افتد خواهناخواه رسانه‌ها و افکار عمومی روی آن متمرکز می‌شوند. به این معنا طبیعی است که تحولات و اخبار دیگر حاشیه‌ای بشوند. الان توجه‌ها بخصوص در منطقه به این جنگ جلب شده و این موضوع در صدر اخبار قرار گرفته و اخبار مربوط به مبارزات مردم ایران را تحت الشعاع قرار داده است. ولی این اولاً گذرا است و به نظر من به هیچ‌وجه پایدار نیست. کمالینکه از همین امروز هم می‌شود دید که در جامعه موضوعات دیگری به مرکز توجه تبدیل می‌شوند.

ثانیاً خود همین مسئله جنگ هم جمهوری اسلامی را آماج اعتراضات و مبارزات مردم ایران و مردم جهان قرار می‌دهد. هرکس واقعاً خواهان حل انسانی بحران و جنگ در خاورمیانه باشد باید تمام‌قد مقابل جمهوری اسلامی بایستد.

از سوی دیگر جنگ خواهناخواه ریشه سیاسی این تخصم، یعنی آوارگی و درد و رنج مردم فلسطین و راه‌حل انسانی این مسئله را نیز به مرکز توجه‌ها می‌راند و راه‌حل انسانی مسئله فلسطین که به راه‌حل دو دولت معروف است، یعنی تشکیل دولت مستقل و مساوی‌الحقوق فلسطینی در کنار دولت اسرائیل، تماماً در مقابل شعار و موضع جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد که اصلاً موجودیت کشور اسرائیل را قبول ندارد و اعلام کرده است اسرائیل باید به دریا ریخته شود.

از همه این جنبه‌ها جنگ با خودش مسائلی را مطرح می‌کند که از دید مردم ایران و از دید مردم متمدن جهان فوراً و مستقیماً پای جمهوری اسلامی را به عنوان یکی از جنایت‌کاران جنگی به میان می‌کشد. یعنی سیاست‌ها و تبلیغات موضع‌گیری‌های حکومتی که نه تنها خواهان حل مسئله فلسطین نیست، بلکه خود جزئی از صورت مسئله و دامن زنده چنین جنگ‌ها و تخصماتی است را مطرح و برجسته می‌کند.

نکته دیگر هم همانطور که در پاسخ به سؤال اول اشاره کردم، این است که خود انقلاب ایران مسائل و نکات و گفتمان‌هایی روی میز می‌گذارد که مستقل از اینکه در هر جای جهان چه اتفاقی می‌افتد، در جامعه ایران عمده می‌شود. در طی این جنگ بود که جمهوری اسلامی داریوش مهرجویی و همسرش را با آن وضع فجیع به قتل رساند. فاجعه جنگ فاجعه آرمیتا را از یادها نبرده است. الان نزدیک به دو هفته است آرمیتا در کما به سر می‌برد و در مدیای اجتماعی و در دیوانی‌نویسی‌ها همچنان نام آرمیتا و محکومیت جانین حاکم به خاطر حمله به او یک عرصه مهم مقابله با حکومت است. همین‌طور عرصه‌ها و مبارزات دیگری نظیر جنبش بازنشستگان که هر

روز تجمعات اعتراضی برپا می‌کنند، با قدرت ادامه دارد و با اعتراضات و اعتصابات کارگری، نه تنها کم‌رنگ نشده است؛ بلکه شعار "فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن" نیز دوباره به شعارهای تجمعات و اعتراضات افزوده شده است.

هفته پیش سه روز معلم، روز کودک، و روز علیه اعدام را داشتیم. به همین مناسبت‌ها سازمان‌ها و نهادهای زیادی بیانیه دادند، فراخوان دادند، اطلاعیه دادند و به خیابان آمدند، در مدیای اجتماعی گفتگو به راه افتاد و غیره و غیره. علیه جنگ نیز، همانطور که بالاتر اشاره کردم، نهادها و تشکل‌های مبارزاتی متعددی بیانیه داده‌اند و جنگ را محکوم کرده‌اند.

از این رو باید گفت انقلاب ایران تحت تأثیر مسائل جهانی نه تنها متوقف نمی‌شود؛ بلکه جبهه تازه‌ای برای تعرض به حکومت باز می‌کند. به خاطر جنگ اسرائیل و حماس مردم آرمان‌ها، خواست‌ها و شعارهای برحقشان را کنار نمی‌گذارند و یا به جنایت‌های جمهوری اسلامی چشم نمی‌بندند. جنگ نمی‌تواند؛ مثلاً قتل داریوش مهرجویی و همسرش و یا دیگر جنایات حکومتی را تحت الشعاع قرار بدهد.

انقلاب ایران دینامیسم خودش را دارد، مسائل و گفتمان‌های خودش را دارد و عزم مردم برای خلاصی از شر یک حکومت جنایت‌کار و فاسد قوه محرکه‌ای است که انقلاب را همچنان به پیش می‌برد. خود مسئله جنگ نیز از زاویه دیگری باز جنایت‌های جمهوری اسلامی را روی میز می‌گذارد و خودش عرصه‌ای می‌شود برای تعرض بیشتر مردم به حکومت.

حسن صالحی: هنوز حزب‌الله با

تمام توان وارد جنگ نشده است. از سوی دیگر مقامات جمهوری اسلامی تهدید کرده‌اند که اگر اسرائیل به حملاتش ادامه دهد ممکن است نیروهای دیگری هم به میدان بیایند. حسین امیرعبداللہیان گفته است "گروه‌های مقاومت در وضعیت عالی قرار دارند" و "دست‌ها روی ماشه است". به نظر شما آیا احتمال گسترش جنگ و مشخصاً ورود تمام‌قد حزب‌الله به جنگ



وجود دارد؟ آیا در این صورت دامنه جنگ به ایران کشیده خواهد شد؟

حمید تقوایی: این احتمال ضعیف است. من این نوع موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی را به حساب تبلیغات همیشگی‌اش می‌گذارم. حکومت بر طبل می‌کند؛ ولی طبل توخالی که مابه‌ازای عملی‌ای ندارد. مدت‌ها است حکومت می‌گوید اسرائیل روبه‌مرگ است یا ادعا می‌کنند که اسلام دنیا را خواهد گرفت و کاخ سفید را به حسینیه تبدیل می‌کنیم و از این نوع لاف‌زنی‌ها. در برخورد جنگ هم همین شیوه را در پیش گرفته‌اند. بخصوص می‌دانند که ورود به جنگ، حتی از طریق حزب‌الله، برای حکومتشان گران تمام خواهد شد و موقعیت متزلزل حکومت در منطقه و مهم‌تر در خود جامعه ایران را بیش از پیش تضعیف و بحرانی خواهد کرد.

باید توجه داشت که مسئله فلسطین در حماس و حزب‌الله خلاصه نمی‌شود. این مسئله بسیار قدیمی‌تری از عمر جنبش اسلام سیاسی است. این جنبش تروریستی، و مشخصاً رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها راه‌حل انسانی مسئله فلسطین یعنی راه‌حل دو دولت را قبول ندارد؛ بلکه خود جزئی از صورت مسئله مردم فلسطین و عامل تشدید جنگ و آوارگی و درد و رنج مردم فلسطین است. مخالفت با نفس موجودیت کشور اسرائیل و شعار نابودی اسرائیل هیچ راه‌حلی جلوی کسی نمی‌گذارد؛ بلکه فقط می‌تواند به تقویت راست افراطی و مذهبی در اسرائیل منجر بشود و تا ابد به تخصم و کشمکش و جنگ‌های وحشیانه‌ای نظیر جنگ جاری دامن بزند و بس.

ادامه در صفحه ۴

لاف‌زنی‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی

جنگ و روند انقلاب در ایران

از صفحه ۳

علیه اسرائیل را باید در این چارچوب قرار داد. خود حکومتی‌ها هم اصلاً به دنبال یک راه‌حل سیاسی و یا نظامی نیستند. این اسرائیلی ستیزی صرفاً یک امر هویتی و ایدئولوژیک جنبش اسلام سیاسی است اساساً برای توجیه و حق به جانب جلوه‌دادن سیاست‌ها و مواضع بغایت ارتجاعی این جنبش.

حسن صالحی: با ادامه جنگ توجه‌ها هر چه بیشتر به جنایات اسرائیل جلب می‌شود و تا همین‌جا هم اخبار مربوط به بمباران سنگین و هر روزه غزه و قطع برق و بلوکه کردن ورود آب و غذا به این منطقه به یک مسئله مهم در انظار جهانیان و رسانه‌ها تبدیل شده است. آیا این شرایط از نظر تبلیغاتی به نفع جمهوری اسلامی نیست؟

حمید تقوائی: نکته اول این است که گرچه در ابعاد بسیار گسترده‌ای دولت اسرائیل دارد کشتار جنگی می‌کند؛ ولی جنایات‌های حماس فراموش نشده. سازمان ملل هم اعلام کرده است که هر دو طرف مرتکب جنایات جنگی شده‌اند؛ یعنی از نظر حقوق بین‌الملل هم حماس هم دولت اسرائیل هر دو باید به محاکمه کشیده شوند. می‌خواهم بگویم این قضیه دوطرفه است. در هفت روز گذشته، بعد از حمله وحشیانه حماس، دولت اسرائیل هم سیاست وحشیانه بمباران مداوم و سنگین و کشتار مردم غزه را در پیش گرفت، از ورود آب و غذا و دارو برق و غیره به نوار غزه جلوگیری کرد که همه اینها منتهای توحش است و حتی بنا بر قوانین بین‌المللی جنایات جنگی محسوب می‌شود. این جنایات الان به درست مورد توجه بیشتر دنیا قرار گرفته است. جنایات، جنایات را توجیه نمی‌کند. حماس هر جنایتی کرده هیچ دولتی، هیچ نیرویی حق ندارد علیه مردم بی‌گناه دست به چنین اقدامات جنایت‌کارانه‌ای بزند.

در مقابله با این توحش مردم متمدن جهان حق دارند و باید به

اعتراض برخیزند؛ ولی جمهوری اسلامی و بطریق اولی حماس در این میان نمی‌توانند مظلوم‌نمایی کنند و طلبکار باشند. همانطور که جنایات حماس علیه مردم اسرائیل ذره‌ای اعتبار به دولت اسرائیل نمی‌دهد، جنایات دولت اسرائیل هم حماس و جمهوری اسلامی طرف‌داری را تبرئه نمی‌کند. حتی شما کلیپ‌هایی از مردم فلسطین می‌بینید که می‌گویند رهبران حماس خودشان و فرزندانشان در بیروت و کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و ما را گوشت دم توپ کرده‌اند. در رسانه‌های حتی عرب‌زبان می‌بینید که دارند از این صحبت می‌کنند که حماس نماینده مردم فلسطین نیست. می‌گویند حماس پیامدهای حمله‌اش به مردم فلسطین را یا ندید و یا برایش مهم نبود و حقیقت این دومی است؛ چون روشن بود دولت اسرائیل فقط ناظر یورش حماس نخواهد بود؛ بلکه جنگ و کشتار فاجعه‌آمیزی که مشاهده می‌کنیم را شروع خواهد کرد. حماس تصور می‌کرد به این ترتیب می‌تواند برای خودش محبوبیتی کسب کند. اما مردم این را می‌بینند که حماس و همچنین جمهوری اسلامی که آن را پرورده است، فقط می‌توانند آتش جنگ را شعله‌ور کنند و بهانه و توجیه بدهند به دست دولت فاشیستی اسرائیل برای سرکوب بیشتر مردم غزه و موکول به محال کردن راه‌حل مسئله فلسطین. طرفین کشتار همدیگر را توجیه می‌کنند.

اما به یک نکته باید توجه کرد. حماس در همه دنیا به‌عنوان یک نیروی تروریستی اسلامی شناخته می‌شود و جمهوری اسلامی به‌عنوان هوادار او در دنیا رسواست و بنابراین اینها نمی‌توانند از جنایات دولت اسرائیل برای خود

سرمایه‌ای بسازند. ولی در مورد دولت اسرائیل این‌طور نیست. دولت اسرائیل را در فضای بین‌المللی و بخصوص در کشورهای غربی به‌عنوان یک دولت دموکراتیک و متمدن به رسمیت می‌شناسند، درحالی‌که یک دولت تروریستی است که هیچگاه حتی به قطعنامه‌های سازمان ملل واقعی نگذاشته است، و از نظر مواضع و سیاست‌ها و اقدامات ضدانسانی دست کمی از نیروهای تروریستی نظیر حماس ندارد.

واقعیت این است که هر دو طرف این جنگ تروریست هستند و از قبل این جنگ می‌خواهند موقعیت خود را تثبیت کنند. جنایت هر نیرویی را باید بیای خودش نوشت، جنایات‌های حماس را نمی‌شود به بهانه جنایات دولت اسرائیل نادیده گرفت و برعکس کشتار مردم به‌وسیله دولت اسرائیل را نمی‌شود به‌خاطر جنایات حماس نادیده گرفت.

در این میان مسئله ریشه‌ای این است که حقوق پایه‌ای مردم فلسطین پایمال شده و بیش از ۷۰ سال است که آوارگان فلسطینی می‌خواهند به‌عنوان مردمی در سرزمین خودشان زندگی انسانی داشته باشند، مدت‌هاست راه‌حل دو دولت متساوی‌الحقوق مطرح شده و این دولت اسرائیل است که مدام آن را به عقب انداخته، مدام آن را دور زده، و امروز هم آن را قبول ندارد.

اینها پایه‌های مسئله است که نه جمهوری اسلامی و نه حماس و هر نیروی اسلامی دیگر نه می‌تواند و نه می‌خواهد آن را حل کند. نیروهای مترقی، چپ و آزادی‌خواه این راه‌حل را در دست دارند و باید با همین راه‌حل در برابر هر دو این نیروهای ارتجاعی قاطعانه ایستاد.

حسن صالحی: چشم‌انداز این جنگ و تأثیرات میان‌مدت و درازمدت‌ش برای جمهوری اسلامی و کلاً شرایط سیاسی در ایران را چگونه می‌بینید؟

حمید تقوائی: جمهوری اسلامی مثل همیشه تلاش می‌کند که از مظلومیت مردم فلسطین و از جنایات‌هایی که علیه آنها اعمال می‌شود برای خودش سرمایه سیاسی بسازد و اعتبار و حقانیتی بخرد. ولی همانطور که گفتم تا

جایی که به مردم ایران مربوط می‌شود این تقلاها به جایی نمی‌رسد چون مردم جنایات‌هایی بدتر از آن را از خود این حکومت دیده‌اند؛ بنابراین این تقلاها هیچ کمکی به جمهوری اسلامی نخواهد کرد.

در منطقه هم الان از نظر دیپلماسی بین‌المللی و از نظر موضع دولت‌ها جمهوری اسلامی ته خط قرار دارد به‌خاطر اینکه مردم جهان جمهوری اسلامی و حماس را به درست یکسان می‌بینند و برای حل این مسئله به نیرویی رجوع نمی‌کنند که خودش موجد مسئله بوده است؛ بنابراین جمهوری اسلامی در دیپلماسی منطقه‌ای و نیروهای منطقه جایی ندارد.

نکته مهم‌تر اینکه این جنگ در نهایت نه‌تنها دولت اسرائیل را کاملاً افشا می‌کند؛ بلکه نیروهای اسلامی مقابله‌ش را هم در افکار عمومی و در مناسبات و سیاست‌های منطقه‌ای کاملاً منزوی‌تر و حاشیه‌ای‌تر خواهد کرد.

بنابراین، تأثیرات درازمدت این قضیه در کل این هست که هم نیروهای اسلامی و هم دولت اسرائیل موقعیت ضعیف‌تری پیدا خواهند کرد. فراموش نکنید که یک جنبش عظیم در اسرائیل علیه نتانیاهو به‌خاطر سیاست‌های فوق‌راست و افراطی و ارتجاعی‌اش در جریان بود و این تمام نشده است. ممکن است به بهانه جنگ فعلاً سرپوشی رویش گذاشته باشند؛ ولی این جنبش در عمق جامعه اسرائیل جریان دارد و به نظر من بزودی دوباره سر باز خواهد کرد.



جنگ و روند انقلاب در ایران

از صفحه ۶

با یک انقلاب عظیم و به رسمیت شناخته شده و محبوب در سراسر دنیا به چالش کشیده شده جنگ جاری حاصلی به جز رسوائی و انزوای بیشتر نخواهد داشت. جمهوری اسلامی در منطقه و در خود ایران ضعیف تر و آبرو باخته تر خواهد شد.

مردم ایران عرصه مبارزه تازه ای علیه حکومت باز می کنند با این پرچم که برای پایان بخشیدن به این جنگ افروزی ها، و برای کمک، کمک بسیار تعیین کننده به حل انسانی مسئله فلسطین، نه تنها حماس بلکه جمهوری اسلامی هم باید از منطقه پاک شود و کنار زده شود. این یک موضع و امر انسانی و کاملاً پیشرویی است که به نظر من مردم و انقلاب ایران پرچم آن را بلند خواهند کرد. همانطور که گفتم فی الحال در جامعه بیانیه ها و فراخوان هایی در این جهت مشاهده می کنیم و این روند رو به گسترش است.

بنابراین، از در میان مدت و در بلندمدت جمهوری اسلامی بازنده این جنگ است و این معنی اش تقویت هر چه بیشتر نه تنها انقلاب زن زندگی آزادی بلکه هر نیرویی است که در منطقه و در جهان خواهان حل انسانی مسئله فلسطین باشد. لازمه این امر کنار زدن راست افراطی در اسرائیل و کنار زدن نیروهای اسلامی در جبهه مقابل است. این را مردم هر چه بیشتر متوجه خواهند شد و نفس همین امر جبهه سوم، یعنی جبهه انقلاب زن زندگی آزادی، را بسیار تقویت خواهد کرد.

۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، ۲۵ مهر ۱۴۰۲

قاتلان راه فرار ندارند

از صفحه نخست



است.

حقانیت این موضوع وقتی روشن می شود که به جوابی که حکومت در مراسم تشییع مهرجویی و همسرش از جامعه گرفت نظر کنیم. این مراسم کوس رسوائی رژیم را بار دیگر با بانگی بلند به صدا در آورد. مردم حاضر در این روز با شعارهایشان، با خشمشان نشان دادند که قاتلان را می شناسند و به قول مهرجویی می دانند که "قاتلان در میان ما هستند". جمعیت حاضر با شعارهای "زن، زندگی، آزادی" و "قاتلان، قاتلان، رسوا باید گردند" ضمن تکرار شعار اصلی انقلاب جاری و نشان دادن عزمشان در ادامه آن، انگشت اتهام را مستقیماً به سوی رژیم اسلامی نشانه گرفتند.

مردم در این روزها از هر روزنه ای برای بیان اعتراضشان استفاده می کنند و روز تشییع مهرجویی و همسرش یکی از این روزها بود که در تاریخ انقلاب ماندگار خواهد شد. حضور بی حجاب مونا مهرجویی در مراسم خاک سپاری پدر و مادرش نیز نشانی از شجاعت وی و نسلی است که پایه های حاکمیت سیاه اسلامی در ایران را لرزانده است و سرنگونی حکومت اسلامی را به بخشی جدایی ناپذیر از سناریوی زندگی خود بدل کرده است. *

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

**حماس و تکلیف****به جرم جنایت جنگی****باید محاکمه شوند****قاتلان میان ما هستند!****اساس سوسیالیسم انسان است!**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran



تحركات گسترده كارگري در تداوم انقلاب گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در کانال جديد

جامعه‌ای شاد و انسانی سخن می‌گوید و بالاخره جنبه دیگر تحركات کارگري در زمينه سازمان‌یابی مبارزات است. از جمله در این چند ساله و نیز در دل انقلاب زن زندگی آزادی یک وجه قابل توجه جنبش کارگري و مبارزات مردم سازمان‌یافتگی آنهاست. همه اینها وجوه مختلفی از تحركات کارگري در دل جامعه پر تلاطم انقلابی است که موضوع بحث این برنامه است. جا دارد در مورد هر کدام از وجوهی که اشاره کردم صحبت کنیم و این بحث می‌تواند تصویر روشن‌تری از موقعیت کنونی جنبش کارگري و قدم‌هایی که باید برداشته شود به دست دهد.

حسن صالحی: تقسیم‌بندی خوبی از موضوع بود. اجازه بدهید از اعتراضات کارگري و تحركات میدانی کارگري بحث را شروع کنم. در میان اعتراضات میدانی ما اعتراضات کارگران صنعت نفت را داریم. کارگران رسمی که دوشنبه‌ها را روز اعتراض خود اعلام کرده بودند و اکنون به نظر می‌رسد که اعتراض این کارگران دارد هر روزه می‌شود و این بسیار مهم است. در این مورد صحبت شما چیست؟

شهلا دانشفر: دقیقاً همین‌طور است. ما شاهد این هستیم که اعتراضات در نفت سیر پرشتاب‌تری به خود گرفته است. همان‌طور که اشاره کردید کارگران رسمی نفت اکنون در اعتراض هستند. این کارگران نقش تعیین‌کننده‌ای در صنعت نفت دارند و خود صنعت نفت در اقتصاد کشور و در کل مراکز نفتی و در کل جنبش کارگري نقش کلیدی ای دارد. به این اعتبار این اعتراضات در دل جامعه پر تلاطم انقلابی اهمیت سیاسی مهمی پیدا می‌کند. این یک کیفیت جدید در مبارزات کارگري است. از جمله اگر این اعتراضات با همین شتاب به جلو برود و شکل سراسری‌ای به خود بگیرد کل جنبش کارگري و کل جامعه را تکان می‌دهد و جنبش سرنوشتی را گام مهمی به جلو می‌برد و این روندی است که ما شاهدش هستیم.

اعتراض کارگران رسمی نفت به سقف پایین حقوقها و کاهش سطح دریافتی‌هایشان، مالیات‌های سنگین، محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی و کسورات بازنشستگی و عدم ایمنی محیط‌های کار است. از جمله همین هفته دو کارگر در پالایشگاه ایلام به دلیل عدم ایمنی محیط کار جان خود را از دست دادند و ناامنی محیط‌های کار درد سراسری کارگران در نفت است.

دامنه این اعتراضات هزاران کارگر رسمی

حسن صالحی: وقتی از تحركات کارگري صحبت می‌کنیم جنبه‌های مختلف مدنظر قرار می‌گیرد. از نظر شما این تحركات چه جنبه‌هایی را شامل می‌شود؟

شهلا دانشفر: پرسش مهمی است و پاسخ به آن مکان و جایگاه جنبش کارگري در این شرایط پر تلاطم انقلابی را بیشتر نشان می‌دهد که کجا ایستاده است. بخشی از این تحركات اعتراضات میدانی است. اعتراضات گسترده در میان بخش‌های مختلف بازنشستگان، اعتراضات گسترده در نفت، که دوشنبه‌های اعتراضی‌شان را اعلام کردند و اکنون فراتر رفته و از جمله در همین هفته شاهد این هستیم که تجمعات اعتراضی در نفت دارد هر روزه می‌شود و همین‌طور اعتراضات در جاهای دیگر مثل ماشین‌سازی اراک و ایرالکو و غیره که زیر فشار اعتراضات کارگران مدیریت این مراکز ناگزیر به عقب‌نشینی‌هایی هم شدند. اینها بخشی از تحركاتی است که صحبتش را می‌کنیم. جنبه دیگر این موضوع آن شعارهای کلیدی است که جنبش کارگري در همین تحركاتش با خود به جلو می‌آورد. از جمله شعارهای مثل "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد" که در این مدت از سوی بازنشستگان داده شده و فراخوانش به اتحاد مبارزاتی جمعیت میلیونی بازنشستگان و کل کارگران در سطح جامعه است. همین‌طور مطالبات سراسری و کلیدی ای چون درمان رایگان، تحصیل رایگان، کوتاه‌شدن دست پیمانکاران از محیط‌های کار، و غیره که فراگیر و سراسری هستند. در این شعارها عمق و رادیکالیسم جنبش کارگري و کل جامعه را به روشنی می‌بینیم و این جامعه‌ای است که فقر نمی‌خواهد، استثمار نمی‌خواهد، و کل این بساط بردگی را نمی‌خواهد.

جنبه دیگر مسئله ابراز وجود سیاسی و گفتمان‌هایی است که جنبش کارگري با خود به جلو می‌آورد و جالب اینجاست که جنبش کارگري به چنان موقعیتی رسیده است که می‌بینیم در مناسبت‌هایی مثل روز جهانی علیه اعدام، روز جهانی کودک، روز جهانی معلم از سوی تشکل‌ها و گروه‌های مبارزاتی کارگري در مدیای اجتماعی و یا اکتیویست‌های آن بیانیه‌هایی داده می‌شود که با گفتمان‌هایی که به جلو می‌آورد به خواست‌های کل جامعه و به طور واقعی به انقلاب زن زندگی آزادی عمق می‌بخشد. بیانیه‌هایی که به کل ریشه تبعیض و نابرابری دست می‌برد و می‌گوید باید به کل این بربریت و توحش سرمایه‌داری حاکم پایان داد و از

تحرکات گسترده کارگری در تداوم انقلاب

از صفحه ۶

بازنشستگان پرچم اتحاد سراسری کارگری را به دست گرفته‌اند و شوخی نیست که بازنشستگان در هر هفته و هر روزه تجمعات اعتراضی داشته و بعضاً این تجمعات در بیش از ۲۰ شهر برگزار می‌شود و در این اعتراضات علاوه بر بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و مخابرات که روزهای اعتراضی معینی را در هفته دارند، بازنشستگان فولاد و نفت و دیگر بخش‌های بازنشستگان نیز اعتراضاتی داشته‌اند. این خود نشانگر در میدان مبارزه بودن هزاران کارگر در این مقطع است که جامعه چنین از اعتراض می‌جوشد. حال این اتفاقات را بگذارید کنار اعتراضات دیگر بخش‌های کارگری، بگذارید کنار بی‌حجابی سراسری که تیشه بر ریشه یک رکن پایه‌ای حکومت می‌زند، بگذارید کنار جنبش قدرتمند دادخواهی، بگذارید کنار اعتراضات دانشجویان در دانشگاه‌ها که یک سنگر مهم انقلاب‌اند، بگذارید کنار اعتراضات مال‌باختگان که به‌خاطر دزدسالاری حاکم خود به جنبشی تبدیل شده و آنوقت می‌بینیم که چه تلاطمی از انقلاب در جامعه وجود دارد که حقیقتاً خواب را از چشمان حکومت ربوده و صفوفشان را متشتت‌تر از هر وقت کرده است.

این شرایط و این موقعیت جنبش کارگری را باید به‌روشنی مدنظر داشت تا با اعتمادبه‌نفس و قدرت بیشتری به جلو گام برداشت.

حسن صالحی: یک نگرانی این بود که جنگ خونینی که هم اکنون در

خاورمیانه به راه افتاده و ابعاد فاجعه‌آمیز آن و کشت و کشتاری که در پی داشته و نقش جنگ‌افروزان‌های که جمهوری اسلامی در این جنگ دارد با حمایتی که از حماس می‌کند، اوضاع انقلابی جامعه و مبارزات مردمی را تحت‌الشعاع قرار دهد، اما با این توصیفی که از اوضاع داشتید، به نظر می‌رسد که مردم اعتراضاتشان را به پیش می‌برند و افزون بر این در رابطه با این جنگ واکنش‌هایی نشان می‌دهند. از جمله نهادها و تشکل‌های کارگری و بازنشستگان با بیانی‌ها و گفت‌وگوهایشان علیه این جنگ ایستاده‌اند. بد نیست از این زاویه هم به تحولات و رویدادهای جامعه نگاهی کنیم و خوب است توضیحات شما را بشنویم.

شهلا دانشفر: نکته بسیار قابل‌توجهی است. ما در همین اعتراضات کارگران شاهد این بوده‌ایم که دار و دسته‌ها و نهادهای وابسته به حکومت یک تلاششان این بوده که از همین زوایا اعتراضات را به شکلی به انحراف بکشانند. برای مثال در جمعه‌ای که گذشت اعتراض کارگران ارکان ثالث در آبادان را به نمازجمعه کشاندند و بعد هم یک راهپیمایی برنامه‌ریزی شده تحت عنوان "حمایت از غزه" که در واقع حمایت از نیروهای اسلامی و جنایت‌کار حماس بود به راه انداختند. اما کارگران با بنرهای اعتراضی خود نمازجمعه را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. بعد هم شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) در گزارش این خبر صراحتاً اعلام کرد که جنگ خونینی که یکطرف آن دولت اسرائیل و طرف دیگرش حماس و دیگر نیروهای ارتجاعی هستند ربطی به مردم فلسطین ندارد. مردم چه در غزه و چه در اسرائیل قربانیان این جنگند و بر توقف فوری جنگ تأکید کرد. بدین ترتیب کارگر در جبهه مترقی بشریت ایستاده و در عین حال توی دهن جمهوری اسلامی می‌زند که خود آتش افروز این جنگ جنایت‌کارانه است. مردم این حکومت را به‌خوبی می‌شناسند. جمهوری

نفت را در بر می‌گیرد. به طور مثال در بیست و ششم مهرماه ما شاهد تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری برای چهارمین روز متوالی بودیم که بنرهای اعتراضی‌شان را که در آن خواست‌هایشان را نوشته بودند، در دست داشتند. همچنین در این هفته کارگران سکوی نفتی ابودر، فروزان و بهرگانسر در شرکت نفت فلات قاره تجمع و اعتراضی داشتند و این کارگران اعلام کرده‌اند که تا رسیدن به خواست‌هایشان هر دوشنبه تجمع خواهند داشت. قبل‌تر نیز کارگران رسمی شرکت و گاز در پارس و در مسجدسلیمان تجمع داشتند. قبل‌تر نیز بر سر همین موضوعات کارگران رسمی شرکت نفت و گاز در پارس و در مسجدسلیمان اعتراض و تجمع داشتند. هر روزه شدن اعتراضات در جایی چون شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری و یا دوشنبه‌های اعتراضی کارگران رسمی شاغل در سکوی نفتی در شرکت نفت فلات قاره تداوم و قدرت‌گیری بیشتر این اعتراضات را نشان می‌دهد. ضمن اینکه در کنار کارگران رسمی، کارگران ارکان ثالث نیز با خواست اخراج پیمانکاران در

اعتراض‌اند. از جمله این کارگران در

پالایشگاه آبادان در همین هفته تجمع اعتراضی داشتند و جمعیت آنها به حدود چهارهزار نفر می‌رسد. کارگران ارکان ثالث قبلاً نیز تجمعاتی با شعار قرارداد مستقیم حق مسلم ماست تجمعاتی داشتند. همین‌طور کارگران پروژه‌های پیمانی نفت نیز مطالباتی دارند که پاسخ نگرفته است و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت به درست فراخوانش به همه بخش‌های کارگری شاغل در نفت این است که روزهای دوشنبه می‌تواند روز اتحاد مبارزاتی سراسری در نفت باشد. اینها همه بستر شکل‌گیری اعتصابات سراسری در نفت است که مستقیماً بر کل جنبش کارگری تأثیرگذار است.

حسن صالحی: از تحرکات میدانی کارگران صحبت شد. خوب است اشاره‌ای هم به اعتراضات گسترده بازنشستگان داشته باشیم؟

شهلا دانشفر: وقتی تجمعات اعتراضی در نفت را در کنار اعتراضات گسترده بازنشستگان قرار می‌دهیم نشان می‌دهد که در همین هفته هزاران کارگر در سطح جامعه در اعتراض بوده‌اند. بعضاً در رابطه با تداوم انقلاب سؤال می‌شود که خیابان چه خبر است. تحرکات کارگری به یک معنا نماد سازمان‌یافته‌تری از اعتراض در خیابان را به نمایش می‌گذارد و کارگران در خیابان و در همین اعتراضاتشان با شعارهایی چون "رئیس بی‌عرضه برگرد برو تو حوزه"، "دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت"، "وزیر بی‌لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم"، "کشور پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست" دارند کل توحش و بردگی و بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش می‌کشند. کارگران علیه سرکوب ایستاده و با فریاد شعارهایشان سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی"، زندگی ای شاد و انسانی را فریاد می‌زنند. همچنین یک شعار کلیدی در این اعتراضات شعار شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد است و با این شعار

تحرکات گسترده کارگری در تداوم انقلاب

از صفحه ۷

اسلامی سر مار اسلام سیاسی است و ۴۴ سال است که تحت همین عناوین تبلیغات کرده است و مردم با شعارهای چون "فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن"، "دروغ میگوین آمریکاست دشمن ما همین جاست" پاسخ محکمی به حکومت داده‌اند.

حسن صالحی: جنبه دیگری از تحرکات کارگری که شما به آن اشاره کردید گفتمان‌های رادیکالی است که جنبش کارگری با بیانیه‌های خود به جلو آورده. از جمله در رابطه با همین جنگ که اشاره کردید بیانیه‌های مختلفی از سوی تشکل‌های مختلف کارگری با تأکید بر توقف فوری جنگ داده شد. جدا از این مسئله هفته گذشته سه روز مهم مبارزه علیه اعدام، روز جهانی کودک و روز جهانی معلم را داشتیم. بیانیه‌های کارگران به این مناسبت‌ها نیز یکی از وجود عرض‌اندام جنبش کارگری است. در این رابطه چه بیانیه‌هایی از سوی نهادهای کارگری و یا بازنشستگان و نهادهای مدافع حقوق کودک داده شد و این بیانیه چه گفتمان‌هایی را همراه داشت؟

شهلا دانشفر: درست است. به این مناسبت‌ها ما شاهد انتشار بیانیه‌هایی از سوی نهادهای مختلف کارگری و اجتماعی بودیم. این بیانیه‌ها با گفتمان‌هایی که همراه داشت به سهم خود در تعمیق انقلاب نقش مهمی دارند. به شکلی این بیانیه همان بسط منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل در عرصه مختلف نبر است. منشوری که مانیفست انقلاب و پرچم اتحاد مبارزاتی مردم است. در این بیانیه ما شاهد گفتمان‌های چون اعدام قتل عمد حکومتی است بودیم. شاهد این بودیم که گفته شد که اعدام‌ها باید فوراً متوقف شوند و شاهد کيفرخواست دادن‌های جامعه علیه جنایات حکومت بودیم. شاهد اعتراض وسیع علیه کشتارهای حکومت بودیم. در این بیانیه‌ها از جان‌باختگان انقلاب صحبت شد. از کسانی که در جریان انقلاب اعدام شدند یاد شد و این بیانیه‌ها از سوی تشکل‌های مختلف کارگری در قامت خودشان انتشار دادند و این بسیاری بسیار قابل توجه است و در واقع پیشروی‌های جنبش کارگری و انقلاب زن زندگی آزادی را به نمایش می‌گذارد. در این رابطه دادخواهان بیانیه دادند. شورای بازنشستگان ایران بیانیه داد و مدیای اجتماعی موج می‌زد از این گفتمان‌ها. همچنین ۱۳ اکتبر روز جهانی معلم بود. به این مناسبت معلمان در جاهایی مثل لنگرود و تهران تجمعاتی داشتند و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد را سر دادند. بعلاوه کانون‌های صنفی مختلف معلمان بیانیه‌هایی این مناسبت منتشر کردند و در آنها بر خواست‌های معیشتی خود و نیز بر تحصیل رایگان و باکیفیت و غیرایدئولوژیک تأکید کردند و علیه سرکوبگری‌های حکومت اعتراض خودشان را رسا و گویا فریاد زدند. این هم بخشی از جدال است. حکومت حکم می‌دهد. دستگیر می‌کند تا جلو به میدان آمدن گسترده معلمان را بگیرد و معلمان با کارزارهای مبارزاتی‌شان ایستاده‌اند. از آن طرف هم ما روز جهانی کودک را داشتیم که به طور مثال شورای بازنشستگان ایران یا جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بیانیه‌های بسیار زیبایی به این مناسبت دادند. بیانیه‌هایی که می‌گوید که ریشه کار کودک و ریشه همه بلایایی که سر کودک می‌آید این جامعه است و در واقع دست می‌برد به ریشه اصلی این فاجعه اسفبار در جهان و به‌ویژه در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی. در این بیانیه‌ها از این می‌گوید که چگونه فقر، گرانی، بیکاری خانواده‌ها را به جایی می‌رساند که ناگزیر کودکان‌شان را راهی کار خیابان می‌کنند. سپس بر یکسری خواست‌های فوری تأکید می‌کند. از جمله در این بیانیه‌ها بر پرداخت دستمزد مناسب و مکفی برای تأمین یک معاش انسانی و برخورداری همه مردم از بیمه‌های اجتماعی با استانداردهای قابل قبول نظیر درمان رایگان، بیمه بیکاری و بیمه ازکارافتادگی طوری که خانواده‌ای ناگزیر نباشد که

کودکش را راهی کار خیابان کند، تأکید شده است. همچنین در آنها بر حذف آموزش خصوصی و تحصیل رایگان و بالابردن کیفیت آموزش و تحصیل برای همه کودکان فارغ از نژاد، ملیت، جنسیت و مذهب و رفع تمامی اشکال تبعیض علیه کودکان تأکید شده است و نکته دیگر مورد تأکید آنها بر اختصاص تخصیص کمک‌هزینه آموزشی و تأمین تغذیه و بهداشت باکیفیت در چارچوب مدارس برای همه کودکان و احداث فضاهای مناسب و استاندارد (با همه امکانات ایمنی و بهداشتی) برای همه کودکان و در همه نقاط ایران است. در این بیانیه‌ها همچنین بر حذف فوری مدارس غیراستاندارد و حذف همه اجزاء و شرایطی که باعث آزار و تحمیل کودکان در مدارس می‌شود تأکید شده و یک خواست آن به رسمیت شناختن "حق جامعه" و سازمان‌های مرتبط با حقوق کودک برای نظارت بر امور آموزشی و تحصیلی کودکان، بهداشت و درمان، امور مددکاری و حقوقی کودکان در تمامی عرصه‌های جامعه و اعمال و تسری کنوانسیون‌ها و مقاله‌نامه‌ها از جمله "پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک" و تضمین و تأمین حقوق جهان‌شمول و منافع عالی کودکان است. در همین راستا در این بیانیه‌ها بر تأمین و تضمین شرایط انسانی برای معلمان و کادر آموزشی در تمام نقاط ایران و به رسمیت شناختن حق تشکل‌های معلمان به عنوان یک نیروی مهم در دفاع از حقوق کودکان تأکید شده است.

این بیانیه‌ها همگی نشانگر این است که چگونه جنبش کارگری دارد پلاتفرم جامعه آینده‌اش را اعلام می‌کند. اینکه چه نوع جامعه‌ای را می‌خواهد. جامعه‌ای می‌خواهد که در آن حقوق کودک تأمین باشد و کودک از یک زندگی شاد و پر از رفاه برخوردار باشد. رفاه برای همه مردم باشد. جامعه‌ای که در آن اعدام و سرکوب نباشد و وقتی به این ابعاد از گفتمان‌های جنبش کارگری نگاه می‌کنیم می‌بینیم که جنبش کارگری در مکان صاحب جامعه چگونه دارد رنگ و خصلت انقلاب زن زندگی آزادی را رقم می‌زند و این بسیار بسیار مهم و شورانگیز است.

علاوه به این بیانیه‌ها شعارهای اعتراضی به‌ویژه شعارهای کلیدی ای که در اعتراضات بازنشستگان سر داده می‌شود قابل توجه است که جلوتر مثال‌هایش را ذکر کردم و همانطور که اشاره شد بازنشستگان با شعار شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد پرچم اتحاد کارگری و در واقع کل جامعه را علیه فقر و فساد به دست گرفته‌اند و با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" پیوند عمیق خود را با اعتراضات مردمی در کف خیابان و فریاد "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" که در دل انقلاب زن زندگی آزادی سر داده شد، نشان می‌دهد.

حسن صالحی: یک سؤال پایانی من در زمینه سازماندهی است. می‌دانیم که در طول همین یک سال و اندی که از انقلاب می‌گذرد و کلاً در چند ساله اخیر جنبش کارگری پیشرفت‌های بسیاری داشته است. به‌ویژه در زمینه سازماندهی همانطور که اشاره کردید اتفاقات خوبی افتاده است. اما در مقایسه با شعارها و مطالبات و گفتمان‌هایی که جنبش کارگری در سیر پر شتاب خود به جلو آورده است، که یک مثال برجسته آن منشور



تحرکات گسترده کارگری در تداوم انقلاب

از صفحه ۸

خواست‌های حداقلی بیست تشکل است که تغییری جهشی ایجاد کرد و بسیاری از آن صحبت می‌کردند. ولی با همه اینها پیشروی در زمینه سازماندهی به همان اندازه پیشروی‌ها در زمینه‌های شعارها، بیانیه‌های اعتراضی، تبیین مطالبات و پلتفرم‌های مبارزاتی که شما به آنها اشاره کردید، نبوده است. چه ارزیابی‌ای از این موضوع دارید؟ آیا خطر دستگیری و سرکوبگری‌های حکومت باعث کندشدن حرکت در این زمینه شده و آن تغییرات جهشی، شده است؟ یا عوامل دیگر مؤثر است؟ شما از به دست گرفتن پرچم اتحاد کارگری توسط بازنشستگان صحبت کردید. بله پرچم این اتحاد را به دست گرفته‌اند؛ اما به فعلیت در آوردن آن به این معنا که تشکل‌ها نهادی پایدارتر و سراسری‌تر در شکل سازمان‌یابی معین هنوز کار دارد و اینکه این تجمعات سراسری و یا متحد یک‌قدم جلوتر بردارد و سازمان سراسری خود را پیدا کند، هنوز اتفاق نیفتاده است.

شهلا دانشفر: بله هنوز به چنین ابعادی از سازمان‌یابی سراسری کارگری دست پیدا نکرده‌ایم. اما فاصله چندانی هم نداریم. ببیند فریاد شعار شاغل و بازنشستگان اتحاد اتحاد و فراخوان بخش‌های مختلف بازنشستگان به اتحاد، فقط یک پرچم نیست. بلکه فراتر از این است. نفس برگزاردن تجمعات اعتراضی بخش‌های مختلف بازنشستگان در سه روز معین هفته، با به نمایش گذاشتن بنرهای اعتراضی یکدست و شعارهای یکدست و خواست‌های یکدست و حتی بعضاً قطعنامه‌های از قبل اعلام شده به مناسبت این تجمعات بدون سازماندهی ممکن نیست و پشت آنها تلاش‌های سازمان‌گرانه بسیاری نهفته است. درست است که سازمان‌یابی کارگر در شکل تشکل‌های سراسری توده‌ای در ابعادی که مورد اشاره شماست، صورت نگرفته است و این یک کمبود است. اما ما در مسیر حرکت بدان سو هستیم و باتوجه به سرکوبگری‌های حکومت و باتوجه به اینکه حکومت جلوی هر تحرکی را در رابطه با سازماندهی سعی می‌کند بگیرد و می‌بینیم که چه فشارهای امنیتی سنگینی بر روی معلمان و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و کانون‌های صنفی آنها وارد آمد، از جمله بخشی از احکام امنیتی و حبس‌های سنگین و یا اخراج از کار صادر شده برای معلمان به جرم عضویت در همین تشکل‌ها بوده است. اینها همه مانع ایجاد می‌کند. ولی یک چیزی که جمهوری اسلامی نمی‌تواند حریف بشود، مدیای اجتماعی است. به این معنا کارگران نفت تشکل دارند. همه بخش‌های کارگری و دیگر بخش‌های مبارزاتی جامعه تشکل دارند. همه اینها در مدیای اجتماعی گروه‌های مبارزاتی سراسری خود را دارند. از این طریق هر لحظه در تماس و ارتباط و تبادل نظر با یکدیگر قرار دارند و این گروه‌ها دارد مثل یک مجمع عمومی دایر و نشست دائمی عمل می‌کند. از جمله از این طرق فراخوان‌های اعتراضی خود را برای پیگیری مطالبات و برای روزهای معین را اعلام می‌کنند. پوسترها و بنرهای

اعتراضی خود را در سطح سراسری پخش می‌کنند. قطعنامه‌های سراسری خود را برای قرائت در تجمعاتشان منتشر می‌کنند. این ابعاد از سازماندهی بی‌سابقه است. ما هیچ کجای دنیا چنین استفاده بهینه‌ای از مدیای اجتماعی را در امر سازماندهی در چنین ابعادی ندیده‌ایم. در ایران زندان و شلاق و اعدام و سرکوب سیستماتیک ابزار حاکمیت رژیم است و در مقابل به این شکل مردم دارند از مدیای اجتماعی استفاده می‌کنند که یک خصلت انقلاب زن زندگی آزادی همین سازمان‌یافتگی آن است. حال بحث بر سر بسط سازمان‌یابی در مدیای اجتماعی به سازمان‌یابی حضوری در سطح سراسری است. نمونه‌اش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و کانون صنفی معلمان است که از سطح گروه‌های مبارزاتی هزاران نفره معلمان در مدیای اجتماعی فراتر رفت و شکل گرفت. تشکل‌هایی که زیر فشار زیادی قرار دارند. اما علی‌رغم همه این فشارها ایستاده‌اند و حتی توانسته‌اند توجه و حمایت نهادهای بین‌المللی‌ای چون اتحادیه بین‌المللی معلمان را جلب کنند. اینها همه قدم‌هایی در جهت سازمان‌یابی سراسری کارگری است و معلمان در زمینه توانستند الگوهای خوبی به دست دهند. یا شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث نمونه‌های دیگری از سازمان‌یابی در جنبش کارگری هستند. سؤال اینجاست که آیا این پیشروی‌ها کافی است؟ روشن است که این‌طور نیست و به نظر من قدم‌های بسیار فراتری می‌شود برداشت. بدین ترتیب خود جنبش کارگری برای سازمان‌یابی سراسری کارگری الگوهای خوبی به دست داده است. همین شوراهای سازماندهی اعتراضات الگویی است برای دیگر بخش‌های کارگران در نفت. برای کارگران رسمی که همین‌الان چنین گسترده در اعتراض‌اند و برای بخش‌های مختلف کارگری است. از جمله کارگران راه‌آهن، شهرداری‌ها، آتش‌نشانی‌ها همین‌طور و این الگو نشان داده که موفق است و با ایجاد شورا می‌شود تربیون و سخنگوی صدای رادیکال اعتراضات کارگران و بخش‌های معترض جامعه بود و با باز شدن بیشتر فضای جامعه به محلی برای روی‌آوری توده‌ای کارگران در چنین تشکل‌هایی که از قبل شکل گرفته و مرجع مورد اعتمادی هستند تبدیل شوند. به نظر من این قدم‌ها را هنوز برنداشته‌ایم و فراخوان من به فعالین و رهبران کارگری این است که از این زاویه به این دستاوردها نگاهی داشته باشند و برای آن برنامه‌ریزی کنند. به نظر من این ممکن است. در عمل داریم می‌بینیم و باید برای آن گام برداریم؛ بنابراین به لحاظ تاکتیکی تعیین روزهای معینی در هفته برای اعتراض که به اعتراضات و حضور کارگران تداوم بخشد. مثل یکشنبه‌های اعتراض، دوشنبه‌های اعتراض و غیره شکلی از سازماندهی اعتراضات که راه افتاده و جواب داده و می‌تواند به بستر شکل‌دادن به اعتصابات سراسری تبدیل شود و به لحاظ سازمان‌یابی شوراهای سازماندهی اعتراضات و الگوهای مثل شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگی یک راه‌حل است. الگوهایی که موفق بوده و از تجارب آنها باید بهره گرفت و به این کمبودی که اشاره کردید پاسخ داد. *

آزادی کامل مذهب و بی‌مذهبی بعنوان عقیده و

امر فصولی افراد در ایران باید تضمین شود.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

بیانیه ۴۶ کشور در باره ادامه تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی

محمد شکوهی



بخش‌های فنی توافق جامع اتمی که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سپرده شده است، مدیرکل آژانس باید به طور دوره‌ای شورای امنیت را از اجرای توافق و پایبندی ایران به تعهداتش مطلع کند. براین اساس پرونده ایران تا سال ۲۰۲۵ یا هر زمان زودتری که آژانس تأیید کند هیچ‌گونه فعالیت اتمی اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد، در دستور کار شورای امنیت باقی می‌ماند، اما بر اساس مفاد قطعنامه ۲۲۳۱، ایران از ذیل ماده ۴۱ منشور سازمان ملل که به موضوع "تهدید صلح و امنیت جهانی" اشاره دارد، خارج شده و پرونده ایران دیگر به شکل اضطراری در شورا مطرح نیست.

آمریکا و متحدانش با استناد به مفاد این قطعنامه شورای امنیت دوباره موضوع تحریم‌های تسلیحاتی را اجرایی کردند. علی‌رغم تلاش‌های کشورهای باقیمانده در برجام، فرانسه، آلمان و انگلیس مبنی بر پیدا کردن راهی برای خروج از بن‌بست برجام، و اصرار جمهوری اسلامی به فعالیت‌های موشکی و هسته‌ای‌اش، احتمال ارجاع موضوع "تهدید صلح و امنیت جهانی" توسط جمهوری اسلامی به شورای امنیت وجود دارد. در این میان تأکید قطعنامه بر راستی‌آزمایی و تأیید اجرای تعهدات برجامی توسط رژیم کماکان ادامه داشته و تأیید صحت و تقسیم آن توسط آژانس اتمی مبنای هر تصمیمی دیگر در

مورد بحران هسته‌ای و موشکی رژیم خواهد شد. این کل ماجراست.

بر اساس آخرین گزارشات آژانس اتمی، جمهوری اسلامی نه تنها همکاری نکرده، بلکه تلاش‌های موشکی‌اش را افزایش داده و حتی موشک‌هایی در دست تهیه دارد که قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای را دارند. جمهوری اسلامی در طول هشت سال گذشته مدام با دروغ‌گویی به

آژانس و خرید فرضیت، مدام در صدد گسترش برنامه‌های هسته‌ای‌اش بوده و در کنار این موضوع محدودیت‌های جدید برای ورود کارشناسان این آژانس به وجود آورده، دوربین‌های آژانس را قطع کرده و هنوز جواب‌های روشنی مبنی بر پیداشدن ذرات اورانیوم در چندین تأسیسات هسته‌ای نداده است. این وضعیت باعث شد که گروهی دبیرکل آژانس چند هفته قبل اعلام بکنند که برجام به یک مرده شبیه است. بحران هسته‌ای حکومت و موضوع بازگشت پرونده موشکی و اتمی رژیم به شورای امنیت و از همه مهم‌تر احتمال بردن رژیم زیر اتهام "تهدید صلح و امنیت جهانی" توسط شورای امنیت، همچنان باز است.

در این میان و با آزادی گروگان‌های آمریکایی از طرف رژیم و آزادسازی ۷ میلیارد دلار دارایی‌های بلوکه‌شده‌اش، هر دو طرف ادعا کردند که این امر اقدامی در جهت آغاز مجدد گفتگوها در مورد بحران هسته‌ای بوده و در تلاش هستند راهی پیدا بکنند. اما اوضاع روندی دیگری به خود گرفت.

در بطن یک چنین وضعیتی که تحریم‌ها و بحران هسته‌ای حکومت قرار دارد، با آغاز جنگ گروه تروریستی حماس و اسرائیل، و موضوع تهدید رژیم به دخالت در جنگ به نفع حماس و... کل موضوع نحوه و نوع برخورد

روز چهارشنبه ۱۸ اکتبر مصادف بود با "پایان موعد تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل. در همین رابطه وزارت دفاع رژیم اسلامی همین روز با صدور بیانیه‌ای پایان تحریم‌های موشکی را «فرصتی برای اثبات اقتدار و تقویت توانمندی‌های دفاعی» عنوان کرده و تأکید کرد وزارت دفاع مصمم به پیگیری تقویت قابلیت‌های موشکی و تسلیحاتی بر اساس الزامات دکترین امنیت ملی نظام است!"

علی‌رغم این ادعای دروغ و خبرپراکنی رسانه‌های حکومتی پیرامون پایان تحریم‌های تسلیحاتی، در همین روز آمریکا به همراه ۴۶ کشور دیگر در بیانیه‌ای از ادامه تحریم‌های موشکی ایران حمایت کرده و خواستار ادامه آنها شدند. این بیانیه گفته جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی پایبند نبوده و تحریم‌ها ادامه می‌یابد و در آخر این بیانیه تأکید می‌کند: "امروز ایران بزرگ‌ترین ذخایر موشک‌های بالستیک خاورمیانه را در اختیار دارد و برنامه موشکی آن همچنان تهدیدی برای کشورهای منطقه و فراتر از آن است. ارائه فناوری موشکی و پهپادی ایران به شرکا و گروه‌های نیابتی خود، ثبات بین‌المللی را به خطر انداخته و تنش‌های منطقه‌ای را تشدید می‌کند."

با صدور بیانیه ۴۶ کشور این گمانه‌زنی‌ها تقویت شده است که احتمالاً آمریکا و متحدانش به دنبال طرح و تصویب قطعنامه جدیدی در شورای امنیت علیه برنامه موشکی رژیم بوده که جایگزین قطعنامه قبلی شورای امنیت بشود. اما قطعنامه ۲۲۳۱

چه بود و شامل کدام تحریم‌های تسلیحاتی است و بر چه مبنایی استوار بود؟ در توضیح این موضوع گزارش شورای امنیت و آژانس اتمی می‌گوید:

شورای امنیت سازمان ملل متحد ۲۹ تیر ۱۳۹۴ (۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵) توافق جامع اتمی میان ایران و گروه ۱+۵ را تأیید کرد و قطعنامه ۲۲۳۱ مبنایی برای روند برخورد به بحران هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی قرار گرفت. این قطعنامه می‌گوید روزی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کند که ایران به اجرای توافق جامع اتمی، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، متعهد است، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران لغو می‌شود.

بر اساس این قطعنامه تمامی تحریم‌های مالی، اقتصادی، نفتی علیه ایران لغو شد، اما برخی از محدودیت‌ها از جمله در مورد خرید و فروش تسلیحات متعارف و فروش موادی با کاربرد دوگانه نظامی را باقی گذاشت. بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱، صادرات و واردات تسلیحات متعارف نیز تا پنج سال ممنوع شد. بنا بر تصریح این قطعنامه، ایران از هر فعالیتی در زمینه موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل سلاح‌های اتمی تا هشت سال پس از روز قبول توافق، منع شد. در جریان نظارت بر اجرای



بیانیه ۴۶ کشور در باره ادامه تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی
از صفحه ۱۰

در این شکی نیست که همه تلاش‌ها و تقلاب‌های کشورهای باقیمانده در برجام در سال‌های اخیر برای پیداکردن راه‌حلی برای خروج از بن‌بست هسته‌ای حکومت، عملاً شکست‌خورده است. یک فاکتور بسیار مهم در بحبوحه ادامه بحران هسته‌ای حکومت، موضوع انقلاب زن زندگی آزادی است. در طول یک سال گذشته این انقلاب یک‌بار دیگر ثابت کرد که جمهوری اسلامی نظام سرکوب و کشتار، حمایت از تروریسم و شریک غیرقابل‌اعتماد طرف‌های غربی برای حل بحران هسته‌ای‌اش است. روی برگرداندن کشورهای باقیمانده در برجام در کنار سایر مسائل و موضوعات عاجل فوری منطقه، از جمله انقلاب ایران، خود یک مانع نسبتاً بزرگی بر سر راه نحوه و چگونگی برخورد غرب و آمریکا به جمهوری اسلامی در این اوضاع است. قدرت این انقلاب کشورهای غربی را مجبور کرد که در بسیاری از سیاست‌ها و بخش‌ها توافقات قبلی‌شان با رژیم تجدیدنظر کرده، آنها را دوباره باز تعریف کرده و به‌ناچار مجبور شدند جمهوری اسلامی را در جریان سرکوب انقلاب مردم ایران محکوم کرده و فشارها بر رژیم را افزایش بدهند.

جمهوری اسلامی در وضعیتی کاملاً بی‌افق و بسیار شکننده در برابر انقلاب مردم قرار دارد. تقلاب‌ها و تلاش‌های رژیم برای "عادی‌نمایی" اوضاع حکومت بی‌ثمر است. جهان غرب هم بخش‌ها متوجه این امر شده است و به همین خاطر فعلاً ناچارند از شرط‌بندی روی اسب بازنده خودداری بکنند تا ببینند چه پیش خواهد آمد. درست در همین‌جا انقلاب در کمین جمهوری اسلامی نشست است. کلید حل بحران هسته‌ای و موشکی، پایان‌دادن به جنگ‌افروزی نماینده و حکومت تروریسم اسلامی حاکم بر ایران در دست مردم ایران است. ❖

با جمهوری اسلامی فراتر از بحران هسته‌ای و تحریم‌ها را یک‌بار دیگر روی میز آمریکا و غرب آورده است. طبق معمول جمهوری اسلامی وسیع‌ترین حمایت‌ها را از گروه‌های تروریستی نظیر حماس و حزب‌الله، به‌ویژه در این اوضاع جنگی کرده و حتی پایش را فراتر گذاشته و تهدید به مداخله در جنگ کرده است.

معادلات سیاسی منطقه خاورمیانه وارد تحولات جدیدی شده که بی‌تأثیر در نحوه برخورد آمریکا و غرب به بحران هسته‌ای و ادامه تحریم‌ها علیه رژیم نیست. اینکه آمریکا و غرب چه سیاستی جدیدی در برابر کرکری‌خواندن‌های رژیم در منطقه در پیش خواهند کرد، بستگی به برخورد رژیم به مهم‌ترین موضوع منطقه، یعنی جنگ حماس و اسرائیل دارد. خود همین موضوع که اولویت اول آمریکا و غرب در منطقه است، احتمال بازگشت طرف‌های درگیر در بحران هسته‌ای را تقریباً دور از دسترس کرده است. فعلاً اولویت غرب تشدید تحریم‌ها و اعمال فشار بیشتر به رژیم برای "کنترل و مهارش" برای جلوگیری از عدم ورود جمهوری اسلامی به جنگ در غزه متمرکز شده است.

بیانیه ۴۶ کشور و تمدید تحریم‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی را یک واکنش و اعمال فشار آمریکا و غرب به این وضعیت در منطقه و تلاش‌های جمهوری اسلامی برای دخالت در جنگ غزه به نفع حماس و باز کردن جبهه جنگی دیگر از جنوب لبنان بر علیه اسرائیل باید دید. اولویت اول خاورمیانه الان جنگ حماس و اسرائیل است.

جمهوری اسلامی حامی و شریک

جنایات حماس است!



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

کارگران و مردم طرف سوم جنگ حماس و دولت اسرائیل

مهران محبی

با حمله تروریستی و جنایت کارانه حماس به شهرهای اسرائیل و قتل عام و سلاخی شهروندان به اسارت درآمده اسرائیلی، شیپور یک مسابقه آدمکشی از شهروندان اسرائیلی و فلسطینی توسط جنایت کاران هر دو طرف یعنی ارتش اسرائیل و تروریست‌های حماس زده شد.

ابعاد و عمق این جنایات به حدی است که کمتر انسانی تحمل دیدن تصاویر منتشر شده از جنایات حماس و ارتش اسرائیل در حق شهروندان هر دو طرف را دارد. تبعات این جنگ ضدانسانی تا حالا برای شهروندان اسرائیلی و فلسطینی هزاران کشته و زخمی و آوارگی صدها هزار نفر بوده است. اما طرف‌های درگیر و حامیان این مسابقه آدمکشی. همچنان بر ادامه جنایاتشان در رقابت با یکدیگر اصرار دارند.

حماس که تحت حمایت همه‌جانبه جمهوری اسلامی است، با دست آویز قراردادن اشغالگر بودن اسرائیل و مظلوم واقع شدن مردم فلسطین برای تأمین منافع ضدانسانی خود و هم‌پیمانانش مانند جمهوری اسلامی بر طبل ادامه خونریزی می‌کوبد. هدف تروریسم اسلامی نابودی اسرائیل یا بیرون‌راندن اسرائیل از منطقه و گسترش حاکمیت و فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است و در تلاش برای تجهیز و وارد کردن دیگر گروه‌ها و نیروهای تروریستی مانند حشدالشعبی، فاطمیون و زینبیون و به اصطلاح داوطلبان بسیجی و سپاهی از ایران به منطقه برای مقابله با اسرائیل هستند. رجزخوانی حسین امیرعبداللّه‌هیمن که بعد از عقب‌نشینی خامنه‌ای در جمع فرماندهان سپاه، اعلام می‌کند: " دست همه روی ماشه است" در این راستا است.

از طرف دیگر دولت اسرائیل جنایات حماس را دست‌مایه حملات ویرانگر هوایی و زمینی خود به مراکز فلسطینی‌نشین قرار داده و اعلام کرده است تا ناتوان ساختن کامل حماس و یکسان کردن مناطق فلسطین با خاک دست‌بردار نخواهد بود. این در حالی است که همه دولت‌های غربی و مخصوصاً آمریکا اعلام حمایت قاطعانه از دولت اسرائیل کرده‌اند و دولت آمریکا در همان چند روز اولیه جنگ، ناو هواپیما بر "جرالد فور" را در نزدیکی اسرائیل برای دفاع از آن مستقر کرده و قرار است به‌زودی ناو هواپیما بر "آیزنهاور" را هم به منطقه بفرستد.

بیش از یک هفته است که شهرهای دو طرف زیر باران راکت و موشک هستند و هر روز هزاران انسان کشته و زخمی یا آواره می‌شوند. به‌ویژه منطقه فلسطینی‌نشین غزه در محاصره کامل ارتش اسرائیل قرار گرفته و مردم گرفتار بی‌غذایی، بی‌آبی و بی‌دارویی و غیره شده‌اند. اما جنگ همچنان ادامه دارد و حامیان دو طرف نیز همچنان بر آتش جنگ بنزین می‌ریزند.

اما این جنگ جنایت کارانه مانند هر جنگ ارتجاعی دیگری تنها دو طرف ندارد. چنین جنگ‌هایی که بر مبنای منافع دولت‌های ارتجاعی سرمایه‌داری و گاه میان تروریست‌های دولتی و تروریست‌های مذهبی و اسلامی به وقوع می‌پیوندند و قربانیانشان فقط مردم عادی ای هستند که هیچ منفعتی در آنها ندارند، مورد حمایت مردم در هیچ نقطه‌ای از جهان نیستند. این مردم، طرف سوم این نوع جنگ‌ها هستند. مردم کارگر و زحمت کش و صلح‌دوست در برابر و مخالف هر دو طرف جنگ‌های ارتجاعی هستند. خیلی از جنگ‌های ارتجاعی میان قدرت‌های سرمایه‌داری تا حالا مورد مخالفت و انزجار مردم متنفر از جنگ یا همان طرف سوم جنگ‌ها قرار گرفته‌اند. بارها در سطح جهانی مردم نسبت به جنگ و کشتار شهروندان اعتراض به راه انداخته و خواستار توقف فوری جنگ شده‌اند. امروز و در برابر این جنگ جنایت کارانه نیز مردم جهان

باید به‌عنوان طرف سوم به خیابان بیایند و خواهان توقف فوری جنگ شوند. باید از حق داشتن سرزمین و دولت برآمده از اراده خود مردم برای فلسطینیان حمایت کنند. نباید اجازه داد که دولت اسرائیل به بهانه جنایات کم‌سابقه حماس در حق شهروندان اسرائیلی متقابلاً علیه شهروندان فلسطینی به جنایاتش ادامه دهد.

نباید به جریان‌ات راست و دولت‌های ارتجاعی سرمایه‌داری اجازه بهره‌برداری سیاسی از طریق به انحراف کشاندن اذهان عمومی داد تا برای متحد خود در این جنگ و این مسابقه آدمکشی. طرف‌دار و سمپات گردآورند. امروز درحالی‌که دولت اسرائیل خیلی از مناطق مسکونی فلسطین را به تل‌هایی از ویرانی تبدیل کرده است، دولت‌های غربی و طرف‌داران تروریسم دولتی مشغول تبلیغات و به راه‌انداختن آکسیون‌ها در حمایت از دولت جنایت‌کار اسرائیل به بهانه مخالفت با تروریسم هستند.

از طرف دیگر جریان‌ات اسلامی و جمهوری اسلامی با نمایش مظلومیت مردم فلسطین و گرفتن ژست دفاع از آن مردم که توسط دولت اسرائیل کشتار می‌شوند، به دنبال بسیج افکار عمومی در جهان به اصطلاح اسلام برای حمایت از حماس و گروه‌های جهادی - اسلامی جنایت‌کار هستند.

در ایران که یک انقلاب علیه حکومت اسلامی در جریان است و مردم هر لحظه انتظار تحقق آرزویی می‌کشند که برایش مبارزه می‌کنند، جریان‌ات راست و سلطنت‌طلب تلاش می‌کنند مردم انسان‌دوست و ضد تبعیض جنسی، قومی، نژادی و ملی، مذهبی را در کنار و حامی دولت اسرائیل جا بزنند و از طریق رسانه‌هایی مانند "من و تو" و "ایران اینترنشنال" چنین تبلیغاتی را پراخ انداخته‌اند.

مردم ایران از کارگر گرفته تا معلم، بازنشسته، زن و مرد و جوان و غیره، همچنان که در جریان انقلابشان، انقلاب "زن، زندگی، آزادی" که خواهان برخورداری از رفاه، آزادی و از میان برداشتن هر گونه تبعیض است، نشان داده‌اند، جریان‌ات راست و سلطنت‌طلب را که هدفشان ایجاد تفرقه و شکاف میان مردم متحد بود، قبول نداشته و حاشیه‌ای کرده‌اند و در این شرایط که شهروندان اسرائیلی و فلسطینی زیر بمباران و موشک‌باران تروریست‌های دولتی اسرائیلی و تروریست‌های اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی هستند، وظیفه دارند در مقابل همه طرف‌های درگیر در این جنگ جنایت کارانه بایستند و به راست‌ها و سلطنت‌طلبان اجازه ندهند که در تبلیغات و موضع‌گیری‌های ارتجاعی خود مردم ایران را حامی و طرف‌دار دولت اسرائیل معرفی کنند.

ما مردم ایران، ما کارگران و معلمان، ما زحمت‌کشان، ما زنان و جوانان و ما آزادی‌خواهان و انسان‌دوستان به طرف سوم و به جبهه سوم تعلق داریم و باید هم‌صدا با مردم متمدن و ضدجنگ سراسر دنیا خواهان پایان یافتن فوری جنگ شویم.

"نه به جنگ"، "نه به تروریسم دولتی" و "نه به تروریسم اسلامی"



دانشگاه، سنگری مهم در انقلاب زن زندگی آزادی



میلاذ رسایی منش

فضای دانشگاه اما آنچنان که اسلامیت‌های از گور برخاسته حاکم بر ایران می‌خواهند پیش نمی‌رود. همین امروز خبر آماده است که علیه حمله وحشیانه حکومت به آرمیتا گراوند تراکت‌هایی در دانشگاه خواجه‌نصیر، علم و صنعت و دانشگاه زاهدان منتشر شده است. در روزهای قبل تر هم بیانیه دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان در اعتراض به سرکوبگری حکومت و پادگانی سازی فضای دانشگاه خیرساز شده بود. همچنین به اعتبار حضور دانشجویان در اکثریت دانشگاه‌های بنام در دنیا، جنبش دانشجویی امروز صدای جهانی هم پیدا کرده است. از بیانیه‌هایی که دانشگاه‌های مختلف در دنیا در حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی منتشر کردند تا بیانیه آموزش بین‌الملل در محکومیت سیاست حکومت اسلامی در تقابل با نهادهای آموزشی، امروز جهان رصدگر مبارزات دانشجویان و اساتید مبارز و غیروابسته است.

جمهوری اسلامی اما به دلیل ماهیت اسلامی و ضدانسانی و ضدانقلابی‌اش، چاره‌ای جز سرکوب ندارد؛ لذا همچنان بر سیاست ارباب و تهدید دانشگاهیان ادامه می‌دهد. از فشار بر دختران دانشجو بر سرپوشش و حجاب تا دستگیری‌ها، تهدیدها و اخراج‌های گسترده، پیام حکومت به دانشگاه مشت آهنین است. به همین اعتبار که دلایل مادی و واقعی مبارزات همچنان موجود است. بروز موج جدید اعتراضات در دانشگاه اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که دانشگاه‌ها در ایران امروز از مهم‌ترین کانون‌های مبارزات علیه حکومت همچنان باقی خواهند ماند و دانشگاه سنگر انقلاب زن زندگی آزادی تا سرنگونی حکومت اسلامی است.*

دشمنی حکومت اسلامی با دانشگاه پدیده تازه‌ای نیست. دانشگاه یعنی جایی که خرد و فکورری بشر از آسمان به زمین می‌آید و انسان نه یک مخلوق مکلف، که یک موجود آزاد و ذی‌حقوق تعریف می‌شود که جهان را نه آن‌گونه که نمایندگان خدا در زمین می‌خواهند، که با اتکا به متدولوژی علمی و از سر منافع خود و اکثریت مردم تغییر می‌دهد. با این تعبیر دشمنی حکومتی که ایدئولوژی‌اش اسلام و رهبرانش، ملاحی مولتی‌میلیونر که مدعی ارتباط با ساحت قدسی هستند کاملاً قابل فهم است. از حمله به دانشگاه در اوایل انقلاب ۵۷ تحت عنوان انقلاب فرهنگی به دستور شخص خمینی تا حوادث کوی دانشگاه سال ۱۳۷۸ دشمنی واضح علی‌خامنه‌ای با علوم انسانی و اخیراً تشدید فشار بر دانشجویان و اخراج فله‌ای اساتید دانشگاه و ورود خودی‌ها به دانشگاه‌ها، همگی از سر دشمنی و تضاد بین دانشگاه و آخوندهای حاکم قابل توضیح است.

حملات چند ماه گذشته به دانشگاه و اخراج اساتید و دانشجویان اما از جنس دیگری است. حکومت اسلامی پس از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی و پی بردن به این واقعیت که دانشگاه و دانشگاهیان نقش مهم و کلیدی در اعتراضات داشتند، اکنون در حال تسویه حساب با کسانی است که با انقلاب همراهی کردند. حکومت اسلامی هم از نفوذ و گسترش تفکرات غیراسلامی در دانشگاه می‌هراسد و هم خود را برای سرکوب‌های بیشتر برای موج دوم انقلاب زن زندگی آزادی آماده می‌کند.

آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان،

اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات،

اعتصاب، تشکل و تمزب در ایران

فورا باید اعلام و برقرار شود.

بی خبری از وضعیت آرمیتا گراوند



عطیه نیک‌نفس

غافل از اینکه حنای رژیم اسلامی برای مردم مطالبه‌گر بعد از گذشت ۴۵ سال سرکوب و زن‌ستیزی رنگی ندارد و رژیم به‌خوبی می‌داند مردم نمی‌گذارند قتل عمد حکومتی مهسا امینی دوباره تکرار شود و کل ساختمان کثیف این رژیم ضدانسانی را بر سر مزدورانش ویران می‌کنند.

وحشیگری مزدور رژیم، حجاب‌بان مترو و بی‌خبری از شرایط آرمیتا گراوند بسیار برای رژیم اسلامی گران تمام خواهد شد، حتی در سطح بین‌المللی و در رسانه‌های غیرفارسی‌زبان شرایط آرمیتا را دقیقاً با مهسا مقایسه کردند و تیتراژ خبری‌شان "ادامه سرکوب زنان توسط رژیم اسلامی در ایران" بود!

خواست آرمیتا، خواست تمام زنان برابری طلب و البته مردمی است که می‌دانند تا زن در جامعه‌ای بی‌حقوق و تحت سرکوب است، نمی‌توان در آن جامعه انسانی زندگی کرد.

مردم ایران نمی‌خواهند هر روز شاهد قتل دولتی انسان‌هایی باشند که فریاد زدن "آزادی". برای رسیدن به این مهم، ضمن دادخواهی جان‌های عزیزی که در تمام دوران حکومت منفور اسلامی توسط این رژیم گرفته شد، تا سرنگونی این رژیم جنایت‌کار اسلامی مبارزه خواهند کرد. آرمیتا باید زنده بماند و در جشن سرنگونی حکومت ضد زن و ضد کودک شرکت جوید. *

جمهوری اسلامی همیشه برای فرار از مخمصه‌هایی که مردم با مبارزات جسورانه‌شان برایش می‌سازند با توحش شرایط را برای خودش سخت‌تر کرده است. سال قبل بعد از کشته‌شدن مهسا امینی به دست نیروهای گشت ارشاد رژیم اسلامی، انقلابی پر قدرت، بی‌بدیل و زنانه در ایران شروع شد. انقلابی که به سرعت توانست صدای خود را به تمام دنیا برساند و شرایط رژیم ضد زن اسلامی را چه در فضای بین‌الملل و چه در داخل ایران بسیار سخت‌تر و بحرانی‌تر کرد. لرزه‌ای که این انقلاب بر تن سران رژیم اسلامی انداخت، خواب و آرامش را از آنان گرفت.

حکومت از سر ترس و استیصال به اعدام، شکنجه، زندان، تجاوز، تهدید و ارباب متوسل شد و تا توانست سببیت به خرج داد، اما مردم پر قدرت به مبارزاتشان به اشکال مختلف ادامه می‌دهند.

و حالا بعد از گذشت سه هفته از اتفاق وحشتناکی که برای آرمیتا گراوند دختر ۱۷ ساله‌ای که فقط حقوق اولیه انسانی‌اش را طلب کرده بود و با پوشش اختیاری در مترو بوده، افتاده، جمهوری اسلامی این بار نیز از وحشت مردم مبارز و آزادی‌خواه با سکوت، دروغ، امنیتی کردن جو بیمارستان و تحت فشار قراردادن خانواده‌اش هجویاتی رامینی بر اینکه این اتفاق یک تصادف بوده و ربطی به حجاب‌بان مترو ندارد، نشخوار می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

حکومت زن‌ستیز نابود باید گردد!

اطلاعه‌های هفته اخیر

بشریت مترقی

باید علیه هر دو طرف جنگ به میدان بیاید

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی، فولاد

و کارگران شرکت نفت و گاز آغاچاری

روز ۲۳ مهرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های قبل از شهرهای مشهد، شوش، کرخه، هفت‌تپه، کرمانشاه و اهواز در اعتراض به فقر و گرانی و بساط چپاول و دزدی حاکم و برای پیگیری خواست‌های معیشتی خود دست به تجمع زدند.

در اهواز بازنشستگان با شعارهای اعتراضی کوبنده خود و سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" دست به راهپیمایی زدند. در این تجمع اعتراضی بزنی با نوشته "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. با این شعار بازنشستگان پرچم اتحاد کارگری علیه بساط بردگی حاکم را به دست گرفته‌اند. در تجمع بازنشستگان کرمانشاه سه بزنی با نوشته‌های معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "درمان رایگان" و "لشکری کشوری تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد" جلب توجه می‌کرد. در شوش بازنشستگان مثل هر هفته از سه شهر کرخه و هفت‌تپه و شوش با هم تجمع کردند و با راهپیمایی و فریاد شعارهایشان صحنه پرشوری از اعتراض شکل دادند. در این تجمع یکی از بازنشستگان به مناسبت چهل‌مین روز جان‌باختن تعدادی از کارگران معدن طرز، در ارتباط با قتل‌عام کارگران در محیط‌های کار و حوادث کاری سخنرانی کرد و مراتب همدردی خود را با خانواده‌های جان‌باختگان معدن طرز اعلام داشت. در این روز همچنین بازنشستگان فولاد اصفهان و لووشان البرز غربی در گیلان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند. درمان رایگان، همسان‌سازی حقوقها و افزایش سطح آنها، پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواست‌های فوری آنهاست.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته!" فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "بازنشسته می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد"، "تورم اسفبار حاکم شده تو بازار"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، "دشمن بازنشسته، دولت ورشکسته"، "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه"، "نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند"، "خواسته ما این زمان، معیشت است و درمان"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "همسان‌سازی کجا بود دروغ بود ریا بود"، "به دزدی عادت کردند، ما را بیچاره کردند"، "شش کلاس دروغگو، حاصل وعده‌هاست کو"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن امریکاست"، "بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "درمان رایگان، حق مسلم ماست".

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و فلاکت و بساط جهنمی جمهوری اسلامی را بازتاب می‌دهند و اعتراضات پیوسته و هفتگی آنها تأثیر بسیاری بر داغ نگاه‌داشتن فضای اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف دارد. از این مبارزات باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

علاوه بر بازنشستگان در این روز کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری برای پیگیری مطالباتشان و در اعتراض به خلف وعده تجمع کردند. خواست‌های فوری اعلام شده از سوی این کارگران عبارت‌اند از: * حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق

جنگی تماماً ارتجاعی و ضدانسانی میان حماس و دولت اسرائیل درگرفته است. هر دو طرف با اهدای ضدانسانی و با شیوه‌هایی ضدانسانی مردم بی‌دفاع را نشانه گرفته‌اند. نه حماس نماینده مردم محروم فلسطین است نه نتانیاهو و دولت اسرائیل نماینده مردم اسرائیل. جریان‌ات دست راستی اسرائیلی و نیروهای فاشیست اسلامی هر دو به فضای کشاکش و جنگ نیاز دارند؛ چون موجودیت آنها به این کشاکش گره‌خورده است.

نتانیاهو نماینده مرتجع‌ترین بخش طبقه حاکم اسرائیل است که دهه‌ها است از هیچ ظلم و جنایتی علیه مردم فلسطین دریغ نکرده است و در مقابل جنایت حماس و با پشتیبانی دولت آمریکا و سایر دول غربی دست به بمباران و کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین زده است. دولت اسرائیل دست به کشتار مردم غزه زده و با بمباران غزه و قطع کلبه امکانات زندگی آنها را آواره کرده است. در طرف دیگر این جنگ جریان فوق ارتجاعی - اسلامی حماس است که با پشتیبانی مالی و تسلیحاتی یکی از منفورترین حکومت‌های جنایت‌کار یعنی جمهوری اسلامی به‌راحتی جوانان بی‌دفاع در یک جشنواره موسیقی را قتل‌عام می‌کند و در خود فلسطین نیز محرومیت و بی‌حقوقی تمام‌عیاری به اکثریت مردم به‌ویژه زنان تحمیل کرده است. نه حماس و نه جمهوری اسلامی که ریاکارانه خود را مدافع مردم فلسطین اعلام می‌کند هیچ‌کدام خواهان حل مسئله فلسطین نیستند، اینها خود مانع جدی در حل این معضل تاریخی‌اند، و با نفرت‌پراکنی علیه مردم اسرائیل و خواست نابودی اسرائیل این معضل را عمیق‌تر و ریشه‌دارتر کرده‌اند.

تظاهرات‌هایی که در کشورهای مختلف در دفاع از یک طرف جنگ و یا علیه یک طرف جنگ جریان دارد نه مردم فلسطین را نمایندگی می‌کند نه مردم اسرائیل را. این تظاهرات‌ها تشویق یک طرف این تخصم به ادامه جنگ و جنایت است. اکثریت عظیم مردم شریف دنیا تعلق به هیچ طرف این جنگ و مسابقه آدمکشی ندارند. بشریت مترقی، جبهه سوم، مردم آزاده، عدالت‌طلب و انسان‌دوست جهان، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌ها، احزاب و فعالین مدافع حقوق انسان باید پرچم قطع فوری جنگ را بلند کنند و از مردم اسرائیل و فلسطین در مقابل حاکمان مرتجع و آدمکش آنها حمایت کنند. حضور فعال جبهه سوم نقش مهمی در پایان دادن به این جنگ کثیف و تغییر فضای خاورمیانه به نفع مردم ستمدیده و تشنه‌رهای خواهد داشت.

انقلاب زن زندگی آزادی در ایران سنگر مهمی در این جبهه سوم است. انقلابی که سر مار تروریسم اسلامی را نشانه گرفته و سرنگونی جمهوری اسلامی را در چشم‌انداز قرار داده است. پیروزی این انقلاب نقش مهمی در پایان دادن به جنگ و جنایت در خاورمیانه و از جمله حل مسئله فلسطین خواهد داشت. همراه با شعار قطع فوری جنگ میان دولت اسرائیل و جریان‌ات اسلامی، پرچم دفاع از انقلاب مردم ایران برای خردکردن هیولای حاکم بر ایران را هم بلند کنید تا هم مردم ایران از جهنم موجود رها شوند و هم مردم منطقه زودتر از شر این تروریسم و طرف مقابل آن خلاصی یابند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مهر ۱۴۰۲، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۳

۲۴ مهر: تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت

دوشنبه‌های اعتراضی

امروز ۲۴ مهر کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در سکویهای فروزان و بهرگانسر، شرکت نفت فلات قاره در راستای دوشنبه‌های اعتراضشان و برای پیگیری خواست‌های خود دست به تجمع زدند. در همین رابطه کارگران رسمی نفت در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری نیز تجمع داشتند. اعتراضات این کارگران همانطور که قبلاً گزارش کردیم به سقف حقوقها و کاهش سطح دریافتی‌هایشان، مالیات‌های سنگین و محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی علی‌رغم سنوات خدمت بیشتر و بعضاً کسورات بازنشستگی است. در همین راستا خواست‌های فوری اعلام شده این کارگران عبارت‌اند از: حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و برگرداندن کسورات مازاد مالیات است.

کارگران معترض با در دست داشتن دست‌نوشته‌هایی خواست‌هایشان را اعلام داشتند. پیوستن بخش‌های مختلف صنعت نفت به دوشنبه‌های اعتراض یک قدم مهم در سراسری شدن اعتراضات در نفت است. این بسیار مهم است که با ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در تمام بخش‌های نفت به تدارک اعتراضات سراسری در نفت برویم.

اعتراضات در نفت گسترده است. دوشنبه‌های اعتراضی الگویی برای همه بخش‌های شاغل در نفت است و می‌تواند به‌روز اتحاد مبارزاتی کارگران نفت در تمام مراکز نفتی تبدیل شود.

اعتصابات در صنعت نفت در این بخش کلیدی اقتصادی در دل شرایط ملتهب انقلابی جامعه بسترساز اعتصابات سراسری در سطح جامعه است. از اعتراضات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم و اخبار آن را همه‌جا بازتاب دهیم.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر

را شدیداً محکوم می‌کنیم

قتل فجیع داریوش مهرجویی کارگردان سرشناس و همسر نویسنده‌اش وحیده محمدی‌فر به درست توجه‌ها را به جمهوری اسلامی جلب کرده است. قتل این دو نفر با ضربات مرگبار چاقو یادآور قتل‌های زنجیره‌ای و به‌ویژه قتل داریوش و پروانه فروهر و همچنین حمید حاجی‌زاده و کودک خردسالش کارون است که به شیوه مشابهی در خانه خود توسط مأموران بالای وزارت اطلاعات رژیم دشمنه‌آجین و مثله شدند. شباهت این قتل‌ها و انتقاداتی که مهرجویی چند ماه پیش متوجه محمدرضا جعفری از باندهای جنایت کار حکومت به‌خاطر اعمال سانسور کرده بود و صحبتش در یک گروه‌مایی سینماگران که گفته بود قاتلین میان ما هستند و باید آنها را به محاکمه بکشیم، حاکی از آن است که این قتل همچون قتل‌های زنجیره‌ای، کار خود حکومت است.

سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات سال‌های قبل و اجرای کامل ماده ۱۰. اعتراضات در نفت گسترده است. با همین خواست‌ها کارگران سکویهای نفتی جنوب دوشنبه‌های اعتراضی را اعلام کرده‌اند.

حزب کمونیست کارگران ضمن حمایت از اعتراضات کارگران نفت بر پیوستن به دوشنبه‌های اعتراضی به‌عنوان بستری برای سراسری شدن اعتصابات در نفت تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۴۰۲، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳

۲۴ مهر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات

در ۱۷ شهر

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد

روز ۲۴ مهر بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه‌های هر هفته در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و عدم اجرای کامل آیین‌نامه پرسنلی و استخدای سال ۸۹ و مشکلات بیمه‌ای خود در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در هفده شهر رشت، اهواز، کرمانشاه، صحنه، ساری، همدان، بندرعباس، کرمان، ارومیه، زنجان، سنندج، شیراز، اردبیل، ایلام، تبریز، خرم‌آباد، تهران برگزار شد.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "وزیر بی‌لیاقت استعفا، استعفا"، "مدیر بی‌لیاقت ننگت باد، ننگت باد"، "سهام‌دار عمده حق ماها را خورده"، "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "شرکت پر درآمد، چه بر سر تو آمد"، "وعده وعید کافیه، ما عمر نوح نداریم"، و "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

در کرمانشاه و اهواز بازنشستگان با تجمع و راهپیمایی و سردادن شعار "شرکت پردرآمد چه بر سر تو آمد" اعتراض خود را به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و وضع بد معیشتی خود اعلام داشتند. در زنجان بازنشستگان با فریاد شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد، جمعیت میلیونی کارگران را به اتحاد علیه فقر و فساد فراخواندند و این یک شعار مهم و کلیدی در اعتراضات بازنشستگان است.

روز گذشته همچنین تجمعات سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی برگزار شد. علاوه بر شهرهایی که در اطلاعیه قبلی گزارش کردیم در این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی در اراک و دزفول نیز تجمع داشتند. در اراک بازنشستگان با سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، وای از این ظلم" فریاد اعتراض خود را علیه بساط توحش و بردگی حاکم بلند کردند.

خبر دیگر مربوط به تجمع کارگران کارخانه کیان تایر در روز گذشته ۲۳ مهرماه در اعتراض به وضع بد معیشتی و مطالبات معوقه خود است. در این حرکت اعتراضی کارگران در محوطه کارخانه تجمع کرده و لاستیک آتش زدند و با شعار "فلسطین را رها کن، فکری به حال ما کن" پاسخ محکمی به تبلیغات حکومتی دادند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

تجمع اعتراض کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری

امروز ۲۵ مهر کارگران رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری برای پیگیری مطالباتشان بار دیگر دست به تجمع زدند. دور جدیدی از اعتراضات کارگران رسمی نفت آغاز شده است. در طول هفته‌های گذشته این کارگران در شرکت‌ها و سکوه‌های نفتی و گازی به صورت هفتگی اعتراضاتشان را برپا می‌کردند و دوشنبه‌های اعتراضی را اعلام کردند. اما اکنون تجمع آنها روزانه شده است.

اعتراض این کارگران همانطور که قبلاً گزارش کردیم به سقف پایین حقوقها و کاهش سطح دریافتی‌هایشان، مالیات‌های سنگین و محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی علی‌رغم سنوات خدمت بیشتر و بعضاً کسورات بازنشستگی است. خواست‌های فوری اعلام شده این کارگران عبارت‌اند از: حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و برگرداندن کسورات مازاد مالیات. کارگران رسمی نفت اعلام کرده‌اند که تا تحقق مطالبات خود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر کارگران ارکان ثالث نیز با خواست خروج پیمانکاران از مراکز نفتی اعتراضات متعددی داشته‌اند. جنبش و جوش و اعتراضات در نفت گسترده است. دوشنبه‌های اعتراضی می‌تواند به‌روز اتحاد مبارزاتی کارگران نفت در تمام مراکز نفتی تبدیل شود.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مهر ۱۴۰۲، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳

به این نسل کشتی پایان دهید!

هر ساعت ابعاد کشتار مردم بی‌دفاع در جنگ ارتجاعی و جنایت‌کارانه میان حماس و دولت اسرائیل گسترش بیشتری می‌یابد. جنایتی که عصر امروز ۲۵ مهر (۱۷ اکتبر) با بمباران بیمارستان الاهلی در غزه رخ داد، حداقل ۵۰۰ کشته بجا گذاشت. جنایتی که هر یک از دو طرف جنگ، طرف مقابل را مسئول آن می‌دانند. صرف‌نظر از اینکه عامل این فاجعه دولت اسرائیل یا جهاد اسلامی و حماس باشند، تنها با توقف جنگ می‌توان جلو چنین فجایعی را گرفت.

جنگی که با توحش حماس شروع شد، اکنون با حمله دولت اسرائیل به مردم غزه ابعاد وحشتناک‌تری به خود گرفته است. در هفته گذشته نزدیک به ۳۰۰۰ نفر از مردم غزه، از جمله بیش از ۱۰۰۰ کودک فلسطینی، در اثر بمباران ارتش اسرائیل جان خود را از دست داده‌اند. آب و برق و سوخت و دارو به روی دو میلیون مردم ساکن غزه بسته شده است و یک میلیون نفر با تهدید دولت اسرائیل آواره شده‌اند. اینها گوشه‌ای از فاجعه‌ای است که هر روز و هر لحظه دامنه بیشتری پیدا می‌کند. این یک نسل‌کشی و پاک‌سازی قومی تمام‌عیار است.

این جنگ باید فوراً متوقف شود. جمهوری اسلامی و سایر جریانات آدمکش اسلامی تهدید به دخالت در این جنگ می‌کنند و دول غربی در همراهی با دولت دست راستی نتانیاهو در مورد توقف جنگ سکوت کرده‌اند و هر دو جبهه بر آتش جنگ می‌دمند. بشریت مترقی باید با پرچم قطع جنگ و آتش‌بس فوری به میدان بیاید و محاکمه جنایت‌کاران جنگی در هر دو سو را خواستار شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مهر ۱۴۰۲، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳

جمهوری اسلامی به‌ویژه در یک سال گذشته با موجی از اعتراض هنرمندان و همراهی آنها با انقلاب زن زندگی آزادی مواجه بوده است، تاحدی که حتی زندانی کردن آنها هم برای جمهوری اسلامی در دسرساز بوده است. "قتل مشکوک" سیاست شناخته شده جلالان حاکم است با این هدف که هم فضای ارباب را دامن بزنند و هم به خیال خودشان هزینه سربه‌نیست کردن مخالفین را کاهش دهند. اما شرایط با دوره قتل‌های زنجیره‌ای بسیار متفاوت است. در متن انقلاب زن زندگی آزادی این جنایات تنها به خشم و نفرت و تعرض بیشتر مردم علیه قاتلین حاکم منجر خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری این قتل و جنایت را شدیداً محکوم می‌کند و اعلام می‌کند که این جنایات نیز مطلقاً کمکی به نجات حکومت نخواهد کرد. بلکه مردم را در ادامه راهشان مصمم‌تر خواهد ساخت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان کشوری در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراضی

روز ۲۵ مهر بازنشستگان کشوری شامل معلمان و بخش‌های دیگر کارکنان بازنشسته، در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراضی خود در شهرهایی چون کرمانشاه، همدان، سنندج و قزوین تجمع کردند.

در اهواز معلمان با شعار معلم زندانی آزاد باید گردد خواستار آزادی فوری همکاران بازداشتی خود شدند.

شعارهای دیگر بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "رئیس بی‌عرضه برگرد برود تو حوزه"، "وعده زیاد شنیدیم عدالتی ندیدیم"، و "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده ملتی".

همسان‌سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر سی‌میلیونی، درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بستن پرونده‌های امنیتی برای همه فعالین سیاسی و آزادی فوری معلمان زندانی از جمله خواست‌های اعتراضی اعلام شده آنهاست. اعتراضات بازنشستگان علیه فقر و بی‌تامینی اعتراض کل جامعه را نمایندگی می‌کند و باید از خواست‌ها و مبارزاتشان وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مهر ۱۴۰۲، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳



اعتراضات در نفت:

تجمع کارگران رسمی
شرکت بهره‌برداری و گاز آغاچاری

امروز چهارشنبه ۲۶ مهر کارگران رسمی شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری برای پیکبری مطالباتشان تجمع کردند. این کارگران روز گذشته نیز تجمع داشتند.

همانطور که قبلاً گزارش کرده‌ایم دور جدیدی از اعتراضات کارگران رسمی نفت آغاز شده است. در هفته‌های گذشته این کارگران در شرکت‌ها و سکوه‌های نفتی و گازی فلات قاره، مسجدسلیمان و آغاچاری تجمع داشتند. کارگران سکوه‌های نفتی روزهای دوشنبه و آغاچاری روزهای یکشنبه را برای برپایی تجمعات اعتراضی خود تعیین کرده بودند. اکنون کارگران رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری بر هر روزه بودن تجمعاتشان تا احقاق حقوق خود تأکید نموده‌اند.

اعتراض کارگران رسمی نفت همانطور که قبلاً گزارش کردیم به سقف پایین حقوقها و کاهش سطح دریافتی‌هایشان، مالیات‌های سنگین و محدودیت ۳۰ ساله سنوات بازنشستگی علی‌رغم سنوات خدمت بیشتر و بعضاً کسورات بازنشستگی است. خواست‌های فوری اعلام شده این کارگران عبارت‌اند از: حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و برگرداندن کسورات مازاد مالیات. کارگران رسمی نفت اعلام کرده‌اند که تا تحقق مطالبات خود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر کارگران ارکان ثالث نفت نیز با خواست خروج پیمانکاران از مراکز نفتی اعتراضات متعددی داشته‌اند. جنب‌وجوش و اعتراضات در نفت گسترده است. هر روزه شدن اعتراضات کارگران رسمی از سیر پر شتاب اعتراضات کارگران در نفت حکایت می‌کند. دوشنبه‌های اعتراضی که از سوی کارگران رسمی فلات قاره تعیین شده می‌تواند به‌روز اتحاد مبارزاتی کارگران نفت در تمام مراکز نفتی تبدیل شود.

پیش به سوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ مهر ۱۴۰۲، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

خشم عمومی علیه حکومت در مراسم خاک‌سپاری
مهرجویی و وحیده محمدی‌فر
فریاد زن زندگی آزادی در مراسم خاک‌سپاری
داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر

امروز ۲۶ مهر در تهران جمعیت زیادی از مردم در مراسم خاک‌سپاری داریوش مهرجویی کارگردان سرشناس و منتقد حکومت اسلامی و همسرش وحیده محمدی‌فر شرکت کردند و با شعارهای مختلف علیه قاتلین این دو ابراز انزجار کردند. حضور مأمورین و لباس شخصی‌های حکومتی نیز آشکار و پربار بود.

در این مراسم مونا مهرجویی فرزند داریوش و وحیده سخنرانی کرد و در میان سخنانش گفت "به قول بابام قاتلین واقعاً میان ما هستند". سخنران دیگر مراسم مرضیه برومند مدیرعامل حکومتی خانه سینما بود و وقتی او در سخنانش اعلام کرد که حاضر است در صورت خوب بودن (حاکمیت)

با او، با اسرائیل و رژیم صهیونیستی بجنگد، مردم یک‌صدا او را هو کردند و به این شکل در قبال سیاست‌های ضدانسانی حکومت در منطقه ابراز انزجار کردند.

مراسم یادمان داریوش مهرجویی به صحنه اعتراض مردمی علیه قاتلین مهرجویی و محمدی‌فر تبدیل شد. مردم که تجربه قتل‌های زنجیره‌ای حکومت و تروریسم اسلامی را دارند با راهپیمایی و با شعارهای ضد حکومتی فریاد دادخواهی خود را سر داده و با شعار "ایستاده‌ایم تا پایان" تداوم انقلاب را فریاد زدند و این جنایت را محکوم کردند. دیگر شعارهای اعتراضی مردم در این مراسم عبارت بودند از: "مرگ بر خامنه‌ای"، "زن زندگی آزادی"، "مرگ بر قاتلان"، «مرگ بر عامل این جنایت «و» "قاتلان، قاتلان رسوا باید گردند".

جمهوری اسلامی و تمام جنایت‌کارانش باید بدانند که جامعه محکم ایستاده است و آن زمان که با قتل‌های زنجیره‌ای مخالفین را مرعوب و ساکت می‌کردند گذشته است. سرتاپای جامعه مملو از خشم و انزجار و نفرت از این جنایت و سرتاپای حکومت است و با هر جنایتی عزم سرنگونی حکومت قاتلان اسلامی گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد شد. برای دستیابی به امنیت و آزادی باید حکومت منفور اسلامی را هرچه سریع‌تر از صحنه جامعه جارو کرد.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ مهر ۱۴۰۲، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

تظاهرات و راهپیمایی وسیع مردمی در زاهدان
قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان

روز ۲۱ مهر مردم در شهر زاهدان در ادامه جمعه‌های اعتراضی خود و علی‌رغم فضای شدید امنیتی و حضور نیروی انتظامی بسیار در سطح شهر، وسیعاً به خیابان آمدند و با شعارهای اعتراضی خود فریاد دادخواهی سر داده و بر تداوم انقلاب تأکید کردند. در تظاهرات این روز مردم با فریاد شعار پی‌شرف، پی‌شرف با سرکوبگران درگیر شده و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. نیروهای سرکوب مسجد مکی را تحت محاصره درآورده و با پاشیدن مایع زردرنگ به روی مردم آنها را دنبال می‌کردند. بنا بر گزارشات در این روز تعدادی دستگیر شدند و در نتیجه یورش نیروی سرکوب به مردم شماری نیز زخمی شدند.

در این روز اعتراضی صدها تن از مردم در خیابان‌های زاهدان با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی شدند. دیگر شعارهای اعتراضی مردم از جمله عبارت بودند از: "بسجی، سپاهی، داعش ما شمایی"، "مرگ بر خامنه‌ای"، و "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان".

زاهدان کانون داغ انقلاب است. از مبارزات مردم سیستان و بلوچستان باید فعالانه حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ مهر ۱۴۰۲، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳

قسم به خون یاران

ایستاده‌ایم تا پایان

جمهوری اسلامی جرئت نکرد در نمایشگاه کتاب فرانکفورت شرکت کند!

یاسر احمدوند معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی درباره عدم حضور رژیم در هفتاد و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت گفته است: "امسال به دلیل رفتار غیرمستولانه برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب فرانکفورت، در این نمایشگاه شرکت نخواهیم کرد. سال گذشته هم به تصمیم نمایشگاه کتاب فرانکفورت اعتراض کردیم و پاسخ کتبی مسئولان این نمایشگاه این بود که از فعالیت و اعتراضات ایران حمایت می‌کنیم".

اما دلیل شرکت نکردن جمهوری اسلامی در نمایشگاه کتاب فقط این نیست. نزدیک به یک دهه فعالین حزب کمونیست کارگری حضور جمهوری اسلامی در نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت را همراه با سایر مخالفین جمهوری اسلامی به صحنه افشاگری علیه این حکومت، قتل نویسندگان و جنایات بی‌شمار آن تبدیل کردند. در محوطه ساختمان نمایشگاه نیز هر ساله چادر اطلاعاتی "کمیته بین‌المللی علیه اعدام" همراه با پوسترها و پلاکاردهای مختلف علیه جنایات جمهوری اسلامی برپا بود و در تمام یک هفته نمایشگاه کتاب، فعالین حزب با هزاران بازدیدکننده بحث و گفت‌وگو کرده و فضا را بر عوامل جمهوری اسلامی تنگ کردند. ما اعلام کردیم که جای رژیمی که کوچک‌ترین آزادی بیان و عقیده و مطبوعات را تحمل نمی‌کند و نویسندگان را زندانی و سربریده می‌کند در نمایشگاه کتاب نیست. این فعالیت‌ها باعث شد جمهوری اسلامی از سال گذشته از شرکت در نمایشگاه خودداری کند. امسال بی‌آبرویی جهانی حکومت به دلیل انقلاب زن زندگی آزادی و همبستگی افکار عمومی با مردم ایران نیز به عامل فشار دیگری علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد و از شرکت در نمایشگاه ناکام ماند.

این شکستی برای جمهوری اسلامی و موفقیتی برای مخالفین حکومت و برای مردم ایران است. تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری به فعالین سیاسی که در طول این سال‌ها با اعتراض پیگیر خود این شکست را به جمهوری اسلامی تحمیل کردند، تبریک می‌گوید.

ما یک‌بار دیگر اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت شود و از همه مجامع بین‌المللی، ورزشی و هنری و ادبی و غیره باید بیرون انداخته شود و سفرا و نمایندگانش باید از آلمان و کشورهای دیگر اخراج شوند. دست‌اندرکاران نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت هم باید به این نتیجه رسیده باشند که جای رژیم تروریست اسلامی در نمایشگاه کتاب نیست.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان

۱۹ اکتبر ۲۰۲۳ (۲۷ مهر ۱۴۰۲)



جمهوری اسلامی شکست خورد! کنسرت تتلو در آلمان لغو شد!

کنسرت تتلو، لمپن حکومت اسلامی، در پی شکایات متعدد و اعتراضات وسیع ایرانیان و ارسال نامه اعتراضی ۶۵ هزار نفر به شهرداری، لغو شد! این شکست مفتضحانه‌ای برای حکومت نکبت اسلامی و مترسک‌چرخانی او در خارج کشور و موفقیتی برای مخالفین جمهوری اسلامی و انقلاب مردم ایران است.

از آغاز اعلام برگزاری این کنسرت، موج اعتراض فعالین سیاسی و اجتماعی علیه آن شروع شد و کمپین وسیعی که ۶۵ هزار نفر آن را امضا زدند، به راه افتاد و تجمعات متعدد، ملاقات‌ها و شکایات فراوانی علیه تتلو، و برگزارکننده این کنسرت سازمان داده شد.

برای مردم کاملاً روشن بود که جمهوری اسلامی مذبوحانه خود را پشت آن مخفی کرده است و تقلا می‌کند بلکه بتواند با علم کردن یک لمپن منفور و بدنام و ضد زن و برگزاری کنسرت برای این مثلاً شخصیت هنری خود در شهر اوبرهوزن آلمان، عرض اندام کند و برای خود یک پیروزی دست‌وپا کند. حتی مینا احدی یکی از فعالین سرشناس و مؤثر این کمپین را مورد تهدید قرارداد. اما کور خوانده بود. همه عوامل آشکار و پنهان این پروژه، شکست خوردند و ناچار در مقابل ایستادگی و اعتراضات وسیع مردم مبارز و همه نهادها و فعالینی که بی‌وقفه علیه این کنسرت افشاگری کردند، با سرشکستگی و خواری گور خود را گم کردند.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری به‌عنوان یکی از فعالین این اعتراض، این موفقیت را به همه فعالین این حرکت و مردم انقلابی ایران صمیمانه تبریک می‌گوید. همین‌جا اضافه کنیم که امسال جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در فرانکفورت نیز که از روز گذشته شروع شد، به دلیل سال‌ها اعتراض فعالین حزب کمونیست کارگری و سایر مخالفین حکومت جرئت نکرد شرکت کند. این موفقیت‌ها را باید به سکوی برای پیشروی بیشتر و منزوی کردن جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان

۱۹ اکتبر ۲۰۲۳



آزادی، برابری

گزارشی از برخی آکسیون‌های سازماندهی شده توسط تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران روز سه‌شنبه هفدهم اکتبر در مالمو سوئد، در حمایت از مردم فلسطین و مردم اسرائیل و برای توقف فوری جنگ در آکسیون‌هایی که فراخوان آن را حزب چپ سوئد داده بود، با پرچم "زن، زندگی، آزادی" حضوری فعالانه داشتند.

شنبه چهاردهم اکتبر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، در ونکوور، آکسیون‌هایی در حمایت از انقلاب "زن، زندگی، آزادی" با پوسترهایی از مهسا و آرمیتا و برای توقف هر چه سریع‌تر جنگ و برای حمایت از مردمی که توسط دو قطب ارتجاعی حماس و ارتش نتانیاهو کشته می‌شوند، سازماندهی و برگزار کرد. در این تجمع سخنرانی‌هایی به زبان انگلیسی و فارسی اجرا شد.





سر مار تروریسم اسلامی را نشانه گرفته است!

انترناسیونال

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

ایمیل:

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com

kazem.nikkhah@gmail.com

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com